

تشکیل مجلس مؤسسان ضروری است، اما محتوا را فراموش نکنیم

تشکیل یا عدم تشکیل مجلس مؤسسان مسئله روز است. درباره ضرورت تشکیل آن از طرف نیروهای متشدد خلقی و دموکرات و حتی لیبرال، سخن بسیار گفته شده است بطوریکه آنرا در حد یک بدیهه میتوان شمار آورد. طرفداران تشکیل مجلس مؤسسان و آنها که بر ضرورت آن اصرار دارند به پشتوانه حقوقی و تاریخی مسئله اشاره میکنند. از لحاظ سیر مراحل قانونگذاری در خود ایران و نیز کیفیت برخورد رژیم های گذشته موضوع را بررسی کرده قاطعانه اظهار می دارند که حتی رژیم قدس مومنی و قانون شکن پهلوی نیز جرات نکرد اصل تشکیل مجلس مؤسسان را نادیده بگیرد. آنها همچنین وعده های قاطع آیت الله خمینی را بیش از واژگونی رژیم شاه (آنجا که در پارسی یکی از وظایف " شورای انقلاب اسلامی " را " بررسی و مطالعه شرایط تأسیس دولت انتقالی و تهیه مقدمات اولیه آن و تشکیل مجلس مؤسسان و انجام انتخابات " ذکر مینمایند - اطلاعات ۲۳ دی ماه ۵۷ -) و با سه هنگام معرفی مهندس بازرگان به عنوان نخست وزیر، درست ۴ روز قبل از قیام مصلحانه در مدرسه علوی تهران چنین میگویند: " رئیس ولایتی را معرفی می کنیم که موقتا دولتی تشکیل بدهد که هم به این آشفته گها خاتمه بدهد و هم این مسئله کنونی که مجلس مؤسسان است. انتخابات مجلس مؤسسان را درست کند و مقدمات آنرا درست کند و مجلس مؤسسان تأسیس شود و انتخابات مجلس هم انجام شود و آنها دولت قانونی را انتخاب کنند و مجلس مؤسسان که تشکیل شد جمهوری اسلامی را به فراتر بگذارد " (اطلاعات ۱۷ بهمن ۵۷). نیروهای طرفدار تشکیل مجلس مؤسسان مریخا با تلویحا بذرستی اشاره میکنند که بر خلاف آن وعده ها قضیه دارد زیر پا گذارده میشود. و با تشکیل مجامعی من درآوردی نظیر مجلس " خیرگان " موضوعی بنیهمی بدست فراموشی سپرده میشود تا بد آنکه که فراتر اندم برود را به آن شکل راه انداختند جز این نیز نباید انتظار داشت. ادامه در صفحه ۲

بازهم درباره ملی کردن بانگها



دوشنبه، بیست و هشتم خرداد ماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۰ - ریال

نتایج قیام بهمن ماه و جنبه طبقاتی تحول سیاسی حاضر

مقدمه:
بررسی قیام پرشکوه بهمن ماه و نتایج سیاسی - اجتماعی آن از اهمیت ویژه برخوردار است. این کار چه از لحاظ تعیین برنامه و متی و چه از جنبه برخورد عملی به مسائل جنبش، دارای اهمیت محوریست. ما سهم خود کوشیده ایم که به بررسی زمینه ها و نتایج قیام بپردازیم. و در همین رابطه قیلا زمینه های اقتصادی و قیام را در پیکار درج کردیم و اخیرا ارزیابی خود را در مورد زمینه های قیام از لحاظ سیاسی و اقتصادی و جنبش خود ای منتشر ساخته ایم. و اینک در اینجا ملاحظات خود را در زمینه نتایج قیام بهمن ماه مآوریم:

بقیه در صفحه ۲

گزارشی از روستاهای بهاران شده کردستان

از دهکده " بیوران " (جنوب غرب سردهش و در نزدیکی آن) تا روستای " کته منگ " یک ساعت پیاده راه است و از اینجا پس از ۱/۵ ساعت پیاده روی به روستای " کانی زرد " میرسیم. این روستا که حدود ۸۰ خانوار (۴۰۰ نفر) جمعیت دارد یکی از روستا های است که مورد هجوم هواپیما های عراقی قرار گرفته بود. در سه کیلومتری این روستا و در داخل خاک عراق یکی از پایگاه های متعلق به کومله م.م و اتحادیه میهنی برستان کرد (عراق) (به رهبری جلال طالبانی) قرار دارد. روی این روستا ۵ سیمپا نداشتند بودند که هیچ کدام روی آبادی نداشتند بود. از محل سقوط بمبها عکس گرفتیم. شدت انفجارات بقدری بود که بخت شیشه و پنجره های دهکده را شکسته بود و خانه ها به شدت تکان خورده حالتی از رعب و هراس اهالی این روستا و روستا های دیگر را فرا گرفته بود. در نتیجه بیماران دو نفر زخمی شده بودند.

یک هفته قبل از آن هواپیما های عراقی ارتفاعات توژ و روستای گوره شیر را بمباران کرده بودند. روستای بهاران شده گوره شیر که بر بالای شیب های بلند مجاور کوهها ساخته شده است روستای است که کور که بوی مرگ میداد شنیدن صدای جغد از دور و بوی لاشه های گاو و اسب و ... که در اثر بمباران سوخته و

یک هفته قبل از آن هواپیما های عراقی ارتفاعات توژ و روستای گوره شیر را بمباران کرده بودند. روستای بهاران شده گوره شیر که بر بالای شیب های بلند مجاور کوهها ساخته شده است روستای است که کور که بوی مرگ میداد شنیدن صدای جغد از دور و بوی لاشه های گاو و اسب و ... که در اثر بمباران سوخته و

یک هفته قبل از آن هواپیما های عراقی ارتفاعات توژ و روستای گوره شیر را بمباران کرده بودند. روستای بهاران شده گوره شیر که بر بالای شیب های بلند مجاور کوهها ساخته شده است روستای است که کور که بوی مرگ میداد شنیدن صدای جغد از دور و بوی لاشه های گاو و اسب و ... که در اثر بمباران سوخته و

کشتار خلق عرب محکوم است
صفحه ۳۴
اخبار کارگری
صفحه ۶۴
مبارزات کارگران کوره یزخانه ها
صفحه ۷۴

لایحه مطبوعات گامی به قهقرا
روز ۱۲ خرداد وزارت " ارشاد ملی " لایحه مطبوعات خود را منتشر و یک فرصت ۱۰ روزه برای برخورد با آن معین کرد.

این لایحه نمونه با زوی است از چونکی برخورد دولت موقت، با مصالح حیاتی مردم و شاید تنها حسن آن این باشد که کمیته ورزی بورژوازی نسبت به منافع زمینکشان را با انحراطلبی و تنگ نظری خرده بورژوازی بکا دارد!

این لایحه از هسان ابتدا بدون توجه به اینکه نشر عقاید و افکار، حق طبیعی هر فرد و گسروه و جمعیتی است برای انتشار روزنامه شرط " امتیاز " را بقیه در صفحه ۲

۲۹ خرداد ، روز خلع ید، روزی تابناک و الهام بخش

اما او بنا به قول چند تن از نزدیکترین بارانش " بعد از ملی کردن نفت دیگر برنامه ای نداشت " او دیگر از حد و مرز طبقاتی نمیوانست با فرانسیر گذارد و بیگمراهانه مبارزه دموکراتیک فد امیربا لیبستی نوده ها را به شمر رساند. این ناتوانی از ماهیت طبقاتی او منشا " میگرفت، هرچند تا آنجا که ادامه در صفحه ۲

در مبارزات وقفه ناپذیر خلقهای ستمدیده ایران برای طرد سلطه امپریالیسم و ارتجاع از میهن و کسب استقلال اقتصادی و سیاسی، روز ۲۹ خرداد ۱۳۲۰ روزی فراموشناشدنی است. حاکمیت همه جانبه انگلیسی ها بر نفت ما پس از ۵۰ سال (۱۹۰۱ - ۱۹۵۱) پایان یافت. نهضت ملی کردن منابع نفت که برهبری شادروان دکتر محمد مدقق و با پشتیبانی عموم زحمتکنان ایران در یک مرحله به پیروزی رسید و توانست از شرکت فارتگر نفت ایران و انگلیس طلع بد نماید، از محتوای عظیم دمکراتیک و فد امیربا لیبستی برخوردار بود. کوتاه کردن دست انگلیسی ها از گرانقدرترین منابع زیرزمینی ما چنان آنها و دیگر امیربا لیبستها را برانگشت که در واژگون کردن حکومت ملی مدقق از هر وسیله ای، داخلی و باخارجی سود جستند و حکومت و رادر مرداد ۳۲ واژگون نمودند.

در آنزمان جنبش سراسری نوده ای برای کوتاه کردن دست انگلیسی ها از نفت چون سیل جاری بود اما رهبری آن نه بدست نیروهای انقلابی و دموکرات پیگیر بلکه بدست بورژوازی ملی بود که هر چند در یک مرحله با سلطه امیربا لیبسم مبارزه میکند اما امکان سازش چنان در او زیاد است که مبارزه زمینکشان خلق را به آسانی در راه وصول به منافع خود غرقانده خویش رها کرده و آنرا میفرودش.

مقدار صیمانه در راه ملی شدن صنعت نفت که نقش عمده ای در تأمین خواستهای فد امیربا لیبستی و فد ارتجاعی نوده های وسیع تشکیل میداد، کوشید

و مهاباد و با شرکت نمایندگان واقعی خلق کرد، متشکل از روحانیون مترقی به رهبری آیت الله عزالدین حسینی و گروههای ساسی مترقی، ثوراها، اتحادیه ها، کتا ورزان و کارگران، خواستهای بحق خود را تنظیم نموده و به آیت الله خمینی و دولت ابلاغ کرده اند.

تنها این قطعه ها که با کیفیت فوق تنویب شده اند، میتوانند با زبات منافع واقعی کرد، بیا بکر اراده و خواست خلق کرد باشند.

تشکیل کنفرانس و تنویب قطعه ها و آنهم بنا م خلق کرد، بدون شرکت خلق کرد بدون شرکت نمایندگان واقعی و خلق کرد، بدون شرکت نوده های زمینکتن کرد، علاوه بر اینکه نمکشان کننده خواستها و منافع خلق کرد نمیشاند، علاوه بر اینکه مشکلی از مشکلات کردستان را حل نمیکند، بلکه توهینی است به خلق کرد، خواهی از است برای خنده دار نمودن جنبش نمایندگان واقعی و روحانیون مترقی و سی اعتبار ادامه در صفحه ۲

کنفرانس سمنج، نوطه های بهتایه خلق کرد

خلق کرد طی دوران سیاه رژیم پهلوی، دوران ترکتنازی و حاکمیت مطلق و سی چون و جرای امیربا لیبستها و بالاضافه امیربا لیبسم آمریکا - مغاف برایتکه همانند تنامی خلقهای ایران تحت ستم و استعمار بی رحمانه قرار داشته، بلکه زیر نام " کرد " بودن، فشار و ستم مغالعی را نیز متحمل شده است. خلق کرد طی سالها مبارزه و نبرد بر علیه رژیم دست نشانده امیربا لیبسم بدرستی در یافته است که مبارزه جهت کسب حق تعیین سرنوشت و رفع ستم ملی اصولی ترین و انقلابی ترین راه برای قطع سلطه و نفوذ امیربا لیبسم از حیات خلق و میهن میباشد.

امروز نیز خلق کرد بر روی تحقق حقوق ماسی خود پای فشرده و طی قطعه ها ای سند ج

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

ادامه زفصحه اول مجلس مؤسسان ...

اینها همه درست ، ماسدر این میزبندی با نیروهای لیبرال و هفتی که آنها از مجلس مؤسسان دارند - همدا با کلیه نیروهایی که خواستار احترام گزاردن به نهادهای دموکراتیک جامعه هستند ، ضرورت تشکیل مجلس مؤسسان را مورد تأیید قرار میدهم و نادیده گرفتن این خواست عمومی را تحت هر عنوان و با هر توجیه که عملی شود محکوم می نمایم و آنرا ادامه منطقی سیاست انحصارطلبانه و تنگ نظرانه رایج می - دانم ، که بیروان آنها تنها نوک دماغ خودشان را مینهند و نمی توانند فراتر از آن چیز دیگری را ببینند . ما معتقدیم این شیوه مانع از شرکت ناما - بنندگان واقعی و دلشوز زحمتکشان در تعیین سرنوشت خود میشوند . ودر نتیجه قانون اساسی آینده نخواهد توانست منافع زحمتکشان را در برگیرد . تصمیمی که برای ایجاد مجلس " خیرگان " بجای مجلس مؤسسان گرفته شده است ، هدفی جز دور ساختن انقلابیون و نمایندگان واقعی مردم را دنبال نمیکند . وگرنه نمایندگان واقعی توده های ستمدیده از تشخیص این با آن ماده قانون عاجز نمیشند و بهانه های کسه آورده میشوند ، تنها گویای تنگ نظری و انحصارطلبی و اطمین و تحمیل کنندگان مجلس " خیرگان " به مردم ستمدیده است .

اما در رابطه با این مسئله ، به یک نکته کمتر اشاره رفته و تنها برخی از نیروهای انقلابی - مارکسیست - لنینیست آن سخن گفته اند و آن محتوای مجلس مؤسسان است . این امر از نظر ماساز تشکیل با عدم تشکیل مجلس مؤسسان اهمیت بسیار بیشتری دارد ، زیرا آنها که آن رفتارند ما بسراه انداختند میتوانستند مجلس مؤسسانی هم که بهمان ساق باشد براه اندازند - اگرچه نه به آن آسانی ، و بهین دلیل هم هست که از انجام آن طفره رفتند - آنها میتوانستند مجلس مؤسسانی که محتوای طبقاتی همین دولت با فلان ثورا و مجلس شورشی را داشته باشد بپایانزد و برای شام آنچه بنام " قانون اساسی " برهم کرده اند امضا بگیرند . اما آنها برای تشکیل چنین مجلسی کدام دردهای کنونی توده های زحمتکش ما را درمان میکند ؟

از دیدگاه توده های زحمتکش طبقاتی ما که بیشترین بار انقلاب را بدوش کشیده و در آغاز راه طولانی خویش توانستند سلطنت پهلوی را بیروزمندانه واژگون سازند ، قانون اساسی باید بیانگر خواسته های انقلابی و دموکراتیک خلقهای ما باشد :

- قانونی که دست ارتجاع داخلی ، زمینداران بزرگ و بورژوازی وابسته را قاطعانه از مقدرات زحمتکشان خلقهای ما کوتاه کند . و با حل انقلابی مسئله ارشی و نابودی کامل مناسبات مافیل سرمایه - داری از جمله مناسبات عشاری ، و ملی کردن سرمایه های وابسته چه صنعتی و چه مالی ، راه را بسراید رتد سالم اقتصاد کشور به نفع زحمتکشان بگشاید ؟
- قانونی که آزادی های فردی و اجتماعی کسه حداقل آنها آزادی قلم و بیان و اجتماعات ، آزادی مذهب ، انتخاب مسکن و کار را با ز در چهارچوب منافع نیروهای دموکرات خلق به رسمیت بشناسد ؟
- قانونی که حق داشتن مسکن و حق داشتن کار مناسب را برای هر فرد ایرانی مورد تأکید قراردهد .
- قانونی که با حل دموکراتیک مسئله خلقهای ایران و به رسمیت شناختن حق آنها در تعیین سرنوشت خویش ، تمامیت وحدت ارشی ایران و زندگی برادر - انه آنها را در کنار هم تأمین نماید ؟
- قانونی که بیشترین سها را به اقلی ترین نیروهای مولده یعنی طبقه کارگر داده تضمین کننده حقوق خلق آنها در چهارچوب یک جمهوری دموکراتیک خلق باشد ؟
- قانونی که حداقل تحصیلات و آموزش را برای همگان مجانی و الزامی کرده ، بهداشت را یگان و طب ملی را برای عموم تأمین نماید ؟
- قانونی که سازماندهی ارتد دست پرورده رژیم پهلوی و اربابان آمریکایش را بر هم زده بجای آن ارتد خلق را برای حفظ مرزهای کشور تشکیل دهد ؟

ادامه زفصحه اول ۲۹ خرداد ...
وی علیه امیرالیمینا کلیسای زرد که در کومادان است - مقابل آنها ایستاد ، او را با یادار ج نهاد ، اما او نه در مورد حل مسئله ارشی و برانداختن توده لیم و نه برای برانداختن رژیم شاهی و برچیدن دربار کلاه سرسپردگی امیرالیمینا بود ، و نه برای سنج و مازجماندهسی انقلابی توده های خلق و صلح کردن آنان و ... برای هیچکدام برنامه ای نداشت .

خلق بد در یک مرحله به شمر رسید اما محتوی و بعد مبارزات خلق که میخواست بندهای وابستگی به امیرالیمینا را برای همیشه قطع کند برای کسانی که آخوز سوار بر موج سوشال استکار نبود و نمیتوانست هم باشد . مهندسین بازرگان و چند تن دیگر از سران جنبه ملی اجرای قانون خلق بد را به عهده داشتند که با پشتیبانی و حرکت سیل آسای مردم بیروزمندانه عملی کرد - دیدما هما نظور که گفتم رهبری بورژوازی آخوز نمیتواند - نت ایسا درخواستهای مردم را درنگ کرده و بیگیرا - مبارزه را ادامه دهد . جنبه ملی بد آخوز با امیر - بالیم انگلیس تا حد خلق بد مبارزه کرد اما بندها با قبول دکترین آیزنهاور (سال ۲۷) مقدم امیرا -

ادامه زفصحه اول کنفرانس سئندج ...
ساختن آنان ، ثلاثی است در جهت ایجاد تفروه و نقاق در مفوق متحد و یکپارچه خلق و ایجاد زمینه مساعد برای فعالیت و رشد و ترجمین و ثفود آنها . گذریم از اینکه جمعی از خودممن تشکیل دهندگان کنفرانس معلوم الحال تا " دیروز وابسته و نوکر حلقه بگوش رژیم متفهور پهلوی بوده اند .

عزالدین حسین روجانی مترقی کرد کنفرانس مذکور را محکوم کرده و میگوید که :
" البته هرکس بطور فردی میتواند از مردم برای شرکت در یک اجتماع دعوت به عمل آورد و این یک حق فردی است ولی نمیتواند به اسم خلق و با جمعیت سیاسی باشد . برای اینکه نه من و نه هیچکس دیگر نمی توانیم و حق نداریم بنام خلق کرد دست به اقدامی بزنیم که مورد تأیید نباشد . در کنفرانس مذکور نمایندگان واقعی خلق کرد و توده کرد شرکت ندارند و هر تصمیمی و هر قطعنامه ای هم که صادر شود به هیچ وجه مورد تأیید نیست و تنها نمایندگان واقعی می توانند درباره سرنوشت خلق کرد تصمیم بگیرند ، " (آیندگان ۲۵ خرداد)

- قانونی که تساوی حقوق بین مردم ایران را برقرار کند و مذهب و جنس و نژاد مورد تأکید قراردهد ،
- قانونی که با احترام کامل به قدس خانواده راه را برای رشد استعداد های زنان در کلیه زمینه های علمی و اجتماعی باز بگذارد و به هیچ دلیل سیاسی حقوق انسانی آنان را فراموش نکند ؟
- قانونی که جدائی دین از سیاست را (در عین احترام به ادیان مورد اتفاق مردم) تصریح نموده داشتن این با آن دین را مبنای هیچ امتیازی قرار ندهد ؟

- قانونی که روابط ایران را با کشورهای دیگر بر اساس احترام متقابل و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر و بر اساس مبارزه با امپریالیستها و مترجمین و دوستی با کشورهای سوسیالیستی و مسل از بند رسته و حمایت همه جا جنبه از جنبشهای آزادی - بخش جهان بخصوص جنبش خلقهای منطقه ، پایه ریزی نماید .
- قانونی که ...
- قانونی که ...

آری مجلس مؤسسانی که بتواند متشا ، چنین قوانینی باشد جز در جمهوری دموکراتیک خلق که تنها اکثرانیو تضمین کننده حقوق اساسی خلقهای ایران است امکانپذیر نیست . این مجلس مؤسسان با چنین محتوای است که توده های ما خواستار آند . این محتوا هرگز با تشکیل موری مجلسی بنام مؤسسان تطابق ندارد .
کلیه نیروهای دموکرات باید در راه انتقاد و برپائی چنان مجلسی مبارزه کنند . اگرچه در شرایط حاضر ، با وضعی روبرو هستیم که حتی تشکیل صوری مجلس مؤسسان مورد نفی و انکار است ، اما بیداست که خواست ما ، خواست نیروهای انقلابی و دموکرات جامعه نباید صرفا متوجه تشکیل موری مجلس مؤسسان باشد . توده های ما باید محتوای مجلس را در نظر داشته باشند . (تاریخ نگار شام ۲۴/۳/۵۸)

لیم تازه نفس آمریکا را به منطقه خاور میانسسه منجمله ایران مورد تأیید قرار داد و هرگز نتوانست با بارزترین و بزرگترین لانه امپریالیسم سوسیالیستی دربار به مبارزه اساسی برخیزد . براسنی روز خلق بد از امپریالیستهای انگلیسی در شرکت سابق نفی روزی است درخان اما پیشتر از هر چیز باید از نتایج و درسهای آن برای امروز الهام گرفت . سرنوشت هر قسام و انقلاب دموکراتیک که رهبری آنها نیروهای تا به آخر انقلابی و طبقه کارگر در دست نداشتند ، چیزی جز شکست نیست . اینکه امروز پس از پیروزی مرحله ای خلق در واژگون کردن رژیم شاهنشاهی ، همچنان فریاد زحمتکشان برای قطع کامل نفوذ و تسلط امپریالیستها بلند است ، اینکه توده ها از فدا - کاریهای خود خسته نشده و پیشروی هرچه بیشتر بسوی تحقق اهداف انقلاب را خواستارند ، اینکه توده های محافظه کاری و مقاومت دولت در راه مبارزه با سلطه امپریالیسم معترضانند ، ... همه و همه نشان دهنده این واقعیت است که بورژوازی قادر به بسار آوردن خواستهای زحمتکشان نیست و تنها با رهبری طبقه کارگر است که این خواستها تأمین و انقلابات به آخر ادامه می یابند .

آنچه مسلم است خلق کرد " همانطوریکه با مبارزه بیگیر و حی طلبانه خود مامیت ارتجاعی و ضد مردمی شورای مائتری را افشا نموند ، اینبار نیز مامیت ارتجاعی کنفرانس ۲۵ خرداد را نیز افشا خواهد کرد . " (نقل از اعلامیه شورای هماهنگی جمعینهای کردستان)
آری ، بطور حتم خلق کرد با تحکیم صفوف خود و تأیید دوباره نمایندگان واقعی خویش ، به افشا و طرد توطئه ها و خیانتها خواهد پرداخت . اراده استوار خلق را به شمایندگزارده و نشان خواهد داد که خلق کله گوسفند نیست که هرکس بخواهد به میل خویش چوپان آن باشد ، بلکه خلق تنها شمایندگاری را تأیید میکند که مدافع راستین منافع او بوده و به رای خلق و از میان خلق برخاسته باشد . تنها به قطعنامه های صحنه میگازد که با شرکت کرد و نمایندگان واقعی خلق کرد بوجود آمده باشد .

حماد شیبانی را آزاد کنید!

ادامه زفصحه اول لایحه مطبوعات ...
قابل شده است . بدین ترتیب واغمین آن نشان داده اند که چه درکی از لزوم آزادی " بیان و قلم " دارند ، و تا چه حد به خواست توده های مبارزی که در انقلاب بر علیه دیکتاتوری قیام کرده و همواره به لزوم آزادی در زمینه نشر عقاید با فشاری کردند ، پای بندند . نویسندگان این لایحه کذائی برای دادن همبسم امتیاز نیز آنچنان شرط و شروط فوق طبقاتی و مسموم نظیر " تقوای سیاسی " و ... قائل شده اند که نشان دهنده هدف آنها برای مانور دادن و خودداری از دادن " امتیاز " به کسانی است که در وجود آنها " خطری " برای سرمایه داری (احسان میشود

اما پس از گرفتن امتیاز نیز صاحب روزنامه او حتی چاپخانه ای که روزنامه را چاپ میکند ! با بستنی در صفحه اول اعلام موعف کند ! تا بدین ترتیب خواست انحصارطلبانی که جامعه طبقاتی ما را به مسلمان و کافر تقسیم میکنند بهتر تأمین شود ، و فریب توده های ناآگاه و بسج آنان بر علیه روزنامه های مستمعد و مسئول و نیروهای چاپ آنها شر گردد .
و سپس روزنامه ای که با چنین وضعی درمی آید ، تازه در مواردی نظیر ارتد و فرماندهان ارتد حق انتقاد و افشاگری لازم را ندارد و همواره امکان مشتم شدن در این مورد وجود دارد ... گوئی از ماضی که همین ارتد و همین فرماندهان به عنوان اقلی ترین عامل سرکوب عملی می کردند سالها گذشته است و گویسی فرماندهان وابسته یک شبه تطهیر شده اند که جای انتقاد ندارند ...

اما واغمین این لایحه یک موضوع سم را فراموش کرده اند و آن اینکه هیچ سد و مائشی را در مقابل جریان حقیقت برای مقاومت نیست . و ، هفت خنواون رستم درست کردن نمیشود از راه سیاسی خنایق در میان توده های ستم دیده مردم جلگورگی کرد .

دهقانان، با اتحاد و بزور اسلحه،

جولان فئودالها را درهم می شکندند

جمعیت دفاع از حقوق خلق کرد، سوزشت در این مسورد اعلامیه ای تحت عنوان "در نه لیس چه میگردد" منتشر ساخته که در زیر می خوانیم:

ما چرا از آنجا آغاز می شود که اینها بهای "هنگور" پس از نمازش قدرت خود در قهوه خانه "آمد" میزانی که با حزب دمکرات بعمل آوردند تصمیم میگیرند بایک قدرت نمایی دیگر در منطقه "نه لیس" و "اختلا سب" به "نگور" بهره مالکانه وسوسه است سال جاری راه شیوه گدشته از دهقانان بگیرند. برای این منظور بین ۷۰ تا ۸۰ نفر نیروی مسلح آماده کرده و گرسر دش سلحانه ای را در راهات نه لیس آغاز میکنند. از چند روز قبل با استفاده از تپاچه ای اختلافات محلی بین اینها و دهقانان سه روستای "سوتان" "فالا وان" و "نیوه ژ" اینها را رانشوی میکنند که در مقابل روستائیان ایستادگی کنند و قول میدهند که در مقابل آنجا حمایت کنند. برای نمونه در روستای کوچک سوتان که از گذشته قبل بخاطر مرتجع موسوی ده بین اینها و دهقانان اختلاف وجود داشت ایستادگی را تشویق میکنند که فشار خود را بر مردم بیشتر کنند تا اینکه حدود ده روز قبل بعد از یک پیکوگی کوتاه با روستائیان آنها را با تفنگ شکاری به گلوله میزنند و سه نفر را زخمی میسازند. به اینهمه اکتفا نکرده همه کج دیگر اینها را که مرتب با او در تماس بودند و حساسی خود را نسبت به روستائیان روزبه روز بیشتر میکنند کوشند آن خود را و از کشتزارها شان می کنند. جبهه اینها را با خراب میکند. ... تا چایک هشت خانوار روستائیان را میزند و در دهات اطراف آواره میگردند. بعد از این جریان نیروی مسلح فئودالها به "سوتان" میروند و از آنجا بطرف "فالا وان" حرکت میکنند. در مدت بیست و چهار ساعتی که در "فالا وان" بودند از هرگونه شراستی خود داری نکردند. اسلحه و تفنگرا گرفتند. منزل چند روستائی را به قصد سوزاندن مفت باشندند و سپس به "شرطانکه" آمد خوبی باشند آنها را بخشدند. خبر این و مشهوری هاسرت در منطقه پیچید همه میدانستند که بعد از "فالا وان" "نیوه ژ" است مردم "نیوه ژ" اطراف نه لیس را سنگینی کردند و با بازده تفنگ موجود در ده تصمیم به مقابله گرفتند. عصر روز ۱۳۵۸/۲/۲۰ دهقانان روستاهای "بلوکه" "نیوه ژ" "شیواشان" "دراب ران" و "نه لاتاسیان" نیروهای ککی برای "نیوه ژ" بی هم میفرستند. در ساعت چهار و نیم بعد از ظهر قبل از اینکه نیروهای ککی به "نیوه ژ" برسد حمله فئودالهای شرور آغاز می شود و نیروی ها خود قهرمانانه مقاومت میکنند چنانچه بعد از یک ساعت جنگ با رسیدن کک به "نیوه ژ" اینها با تسلیح میشوند و طی آن میزند که دسته مسلح خود را از ده عقب کشیده ویران کرده شوند و ضمناً متفرعون ادعای در مورد ناکت برگرداندن "سوتان" میروند. "نیوه ژ" را نه شده فراهم سازند و بدین ترتیب مقاومت دهقانان آنان را وادار به عقب نشینی می نمایند. روستائیان ککی تا روزی بعد از آن نپزای اطمینان ایتقب نشینی اینها منطقه راترک نکردند. هم اکنون عده ای از دهقانان مانوریت دارند که "سوتانها را" را به بازگشت نمایند. اما آنها هنوز به پشتیبانی مردم اطمینان و اعتماد کامل پیدا نکرده اند. هر چند روستائیان از دهات اطراف مضرانه سعی دارند که آنها را به خانه بکشند خود بازگردانند. موضع حزب دمکرات در این جریان چنین بوده است:

در ابتدای ماجرا حزب با اینها وارد مذاکره میشود و از آنها خواسته می شود که منطقه را شلغ نکنند و اجازه بدهند که آنها خود مختاری را بگیرند. این امر نیز صر خود را که نشان حزب دمکرات آنها را بیشتر تشویق میکند. بطوریکه جریانات "نیوه ژ" "فالا وان" را پیش آوردند. در جریان برخورد "نیوه ژ" با وجود اینکه حزب دمکرات در "میرآباد" مقدار و صدای تیراندازی از آنها بر احتی شنیده میشود افراد حزب کوچکترین دخالتی بعمل نیاوردند. حتی در چند مورد با روستائیانیکه قایقی ارتباطی راحت کنترل خود در آورده بودند تا از رسیدن کک به اینها جلوگیری کنند برخورد های خشونت آمیز داشتند و سلاحهای چهار اینها را که مردم گرفته بودند نداشتند پس گرفته همه اینها را بساز گردانند. مردم "نیوه ژ" و "نیوه ژ" تهدید کرده اند که حزب حقوق ندارد افرادش را از طرف هافرسند. و در آخر حوادث و وقایع چند روز اخیر روستاهای سردشت را چنین مرور میکنم: پس از آنکه انقلاب ایران به سمت خلقهای محروم و زنجیر شده خصوصاً روستائیان مبارز نخستین سنگرهای استبداد را درهم شکست فئودالها و همه آنها که منافع خود را در خطر دیدند با پیته در صفحه ه

کشتار خلق عرب محکوم است

خلقهای قهرمان ایران! توده های زحمتکش عرب!

۱ - ارتباط گیری با جناحهای مرتجع مجلسی، شیوخ و روسای عشایر که از عوامل و ابادی رژیم سابق بودند و تقویت این محافل و جاذب آنها به عنوان نمایندگان خلق عرب از جمله کرمی مزدور کک از وابستگان رژیم سابق بود و با شیخ عیسی بنی طرف که وابستگی اش به رژیم سابق بر همه مردم محلی آشکار است.

۲ - وارونه نشان دادن حقایق و خواستههای بحق خلق عرب و متهم کردن توده های زحمتکش خلق عرب به تجزیه طلبی و مخدوش کردن مرز بین اهداف عناصر تجزیه طلب و خواستههای محفانه توده های زحمتکش عرب و جناحهای مترقی آن از طریق رادیو تلویزیون و تحریک افکار عمومی بر علیه خلق عرب.

۳ - کوشش در جهت قطع ملاح خلق عرب از یک طرف و پخش اسلحه و مسلح کردن مردم ناکگاه و خمپوش فراهیای مستحب و اوبان تا و لوپمن ها و تحریک آنان بر علیه جناحهای مترقی خلق عرب.

۴ - میلیتاریزه کردن منطقه خوزستان از طریق اعزام گارد جاویدان! و اعزام پاسداران به اصطلاح انقلاب از شهرهای مختلف تهران و دزفول و ... این توطئه ها و اقدامات مخدوم مردمی را به از طرف نیروهای مترقی خلق عرب افشا شده و به دولت موقت درباره تحریکات زنیال مدنی و عواقب وخیم آن هشدار داده شده بود. اما علیرغم هشدار ای مکرر این نیروها، زنیال مدنی هم چنان به توطئه جنبشی و تحریک بر علیه خلق عرب ادامه میداد تا اینکه روز چهارشنبه ۳/۹ نیروهای ارتجاعی به کمک پاسداران به اصطلاح انقلاب و کوماوندوهای ارتش محوم خود را به خلق عرب و از جمله به کانون فرهنگی عرب - خرمشهر شروع میکنند. با سازمان و نیروهای ارتش به دستور زنیال مدنی در نقاط مختلف عرب نشین شهر بخصوص منطقه کوت شیخ موضع گرفته و مردم بگناه را هدف رنگارهای خود قرار دادند. و صدها تن از مردم بی گناه (و به قول خودشان تجزیه طلب) را از زن و مرد و کودک و پیر و جوان محروم و با دستگیر کردند و در نهایت جنگی ناخواسته را بر خلق زحمت کش عرب تحمیل کردند.

ما ضمن اینکه کشتار وحشیانه خلق عرب را شیدا محکوم میکنیم و خواستار محاکمه و مجازات مسیبن کشتار وحشیانه خلق عرب و در این زنیال مدنی هستیم، بختیانی که کامل خود را از حقوق خفته توده های زحمتکش خلق عرب و دفع ملیت از آنان کک پیوندی ناکستی با مبارزه کلیه خلقهای قهرمان ایران در جهت بقایای سلطه و نفوذ امپریالیسم دارد. اعلام مبدایم.

ما ضمناً هرگونه گرایشات تجزیه طلبانه جناحهای مرتجع محلی را که در خدمت تصفیه مبارزه متحد خلق های ایران قرار میگیرند بخت محکوم میکنیم. تا بود باد مرتجعین و عوامل وابسته به امپریالیسم! مستحکما مصروف رزمندة خلق های ایران در جهت تاسودی بقایای ارتجاع و امپریالیسم!

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر "کمیتة خوزستان"

انقلاب خلقهای قهرمان ایران بساط سلطنت فاسد پهلوی را درهم پیچید و به زیاده دانی تاریخ سپرد. حرکت انقلابی خلقهای ما در جهت تاسودی تمام نهادها و مظاهر وابستگی به امپریالیسم و بقایای فئودال - لنسیم و کوتاه کردن دست سرمایه داران وابسته و فئودالها و مرتجعین رنگارنگ تا پیروزی کامل ادامه خواهد داشت.

برای حفظ و تحکیم دستاوردهای انقلاب و بساری ادامه و استمرار آن، برای پیگیری مبارزه با امپریالیسم، تأمین حقوق خلقهای ایران با ایستگی بطور جدی مورد توجه قرار گیرد. ایجاد وحدت و اتحاد مستحکم بین خلقهای ایران که ما نماد است انقلاب است تنها در پرتو احقاق حقوق از دست رفته خلقها و حاکمیت آنها بر سرزشت خویش امکان پذیر است.

بقایای ارتجاع و امپریالیسم همدست با فئودالها و مرتجعین محلی سعی در توطئه و نفاق افکنی در بین صفوف واحد خلقها و منحرف کردن جهت امپریالیستی انقلاب را دارند. تا از این طریقه زمینه مساعدی برای برقراری مجدد حاکمیت مطلق خود فراهم سازند. در این راه چه بهتر که هر روز یکی از خلقهای قهرمان ایران را سرکوب کرده و نیروهایش را در تحلیل ببرند. این سرکوب اینک متوجه خلق عرب است.

خلق عرب همانند خلقهای کرد، ترکمن، بلوچ و ... در رژیم شاه غاش تحت استعمار و ستم دوگانه سرمایه داران وابسته و فئودالها و روسای عشایر وابسته به رژیم و با بحال شدن حقوق ملی خویش قرار داشتند و به همین جهت بعد از سرکوشی رژیم همدوش با سایر خلقهای تحت ستم در جهت احقاق حقوق خویش به مبارزه شان ادامه دادند.

دولت موقت به اصطلاح انقلابی بنا بر ماهیت سازگاری خود و ناتوانی اش در مبارزه بر علیه ارتجاع و امپریالیسم ضعف و ناتوانی خود را در احقاق حقوق خلقها و حتی فدیته خود را با آن نشان داد است. و نتیجه این چنین سیاست را ما قبلاً در کردستان و نغد و ترکمن صراحتاً تجربه کردیم که حاصلی جز ایجاد کفر و تکاف در بین صفوف متضاد خلقهای ایران و کشاندن آنها به یک جنگ تحمیلی و ناخواسته نداشت. این بار نیز دولت موقت با اعمال این سیاست نفاق افکنانه نشان داد که نه تنها از برآوردن خواستههای اساسی خلق عرب عاجز است بلکه خود یکی از عوامل مهم ایجاد تفرقه و تشنج در منطقه خوزستان و تحمیل یک جنگ ناخواسته به خلق عرب است.

دولت موقت از همان ابتدا با انتخاب یک زنیال ارتشی به استنادی خوزستان نشان داد که برنامهای مخفی برای سرکوب خواستههای حق طلبانه عرب دارد. زنیال مدنی از ابتدای ورود به خوزستان بطور مشخصی تحریکات خود را برای ایجاد تفرقه و نفاق بین خلقهای فارس و عرب و زمینه سازی برای سرکوب خلق عرب را شروع کرد. از جمله این اقدامات:

خلق کرد تجزیه طلبان و همکاری ژاندارمری با آنان محکوم می کند

۱ - به محمد صدیق جانف که فعلاً با تفنگچیهای خود در منطقه سرتیو (بسطام و دکاکا) برای مردم منطقه مزاحمت و درد سر فراهم نموده و یک عناصر ژاندارمری و فئودالها و مرتجعین ضد کرد اسلحه های گروهان بسطام را نصب و ضبط نموده است، اخبار می شود که طرف ده روز اسلحه خود را به شورای انقلاب سز تحویل نماید و اگر ژاندارمری با مردم است دست از هکله ری با مشارالیه کشیده و ناراضی خود را از اعمال ایشان اعلام نماید.

بسم الله الرحمن الرحيم
روز شانزدهم خرداد هزار و سیصد و پنجاه و هشت در فرمانداری سز نمایندگان "دیه کیه تی جیباران" و شورای انقلاب اسلامی سز جمعیت زحمتکشان حزب دمکرات کردستان و هاداران سازمان جریکهای فدائی خلق و شورای هاشمکی روحانیون مناطق سز و کتاب و دیوانه و شاهیند و کمیته انتظامات اسلامی سز و روسای دادگستری و سایر ادارات، دلیتی در سز جلسه ای را تشکیل و در موارد زیر بتوافق رسیدند:

● اهمیت موضوع :

ملی کردن بانکها یکی از خواسته های بود که گروههای مترقی مختلف بارها و بارها چه قبل از قیام بهمن ماه و چه پس از آن عنوان کرده بودند . اما چرا اینقدر بر روی ملی کردن بانکها تاکید میشد و چگونه ملی کردنی مورد نظر بود و هنوز نیز هیت؟ پاسخ به این سؤالات بدون بررسی نقش بانکها در سیستم اقتصادی سرمایه داری غیرممکن است .

بانکها شرایط حیاتی اقتصاد یک کشور سرمایه داری است . هیچ معامله و هیچ سرمایه گذاری بزرگی نیست که جای پای بانکها را در آن نیبینیم . بانکها که در آغاز پیدایش موانع کوچک نبودند که کارشان در اکثر اوقات صرفا تسهیل معاملات بود ، همزمان با رشد سرمایه داری ، روز بروز بیشتر این صلت خود را از دست دادند و به تدریج به مؤسسات واقعی سرمایه گذاری تبدیل شدند . امروزه با اطلاعاتی که بانکها از جریان معاملات و نقل و انتقال سرمایه ها و خلاصه از جزئی ترین اسرار شرکتها و مؤسسات صنعتی و مالی دارند ،

برایشان فوق العاده آسان است که بدانند سرمایه گذاری در کدام رشته سود آورتر است تا به آنسوروان شوند . بانکها با جمع آوری ذخیره پولی مردم به شیوه های گوناگون و سرمایه گذاری آن مبالغ در رشته های پر سود ، بازرگاندن همان پول به مردم بصورت وام با بهره های سرسام آور ، در یافت کارمزدهای کلان از دولت و مردم برای کارهای بانکی و خلاصه هزاران حقه سازی دیگر ، هر ساله سود هنگفتی میبرند .

بی جهت نیست که امروزه بانکداری یکی از رشته های مورد علاقه سرمایه داران است . از طرف دیگر بانک در کشورهای وابسته ای مثل ایران ، نقش دیگری نیز ایفا میکند و آن تبدیل شدن به یکی از پایگاههای عمده امپریالیسم است . گذشته از بانکهای مختلف که ماهیت شان انحصار است ، با توجه اندکی به سایر بانکهای می بینیم که در اکثریت قریب به اطلاق این بانکها ، سرمایه های بانکها و شرکت های سرمایه گذاری امپریالیستی ، با دردم عمده سهام را تشکیل میدهد و پایه نشینت سرمایه گذاری شده که در حقیقت کنترل این بانکها در دست امپریالیست ها است و به همین دلیل سیاست این بانکها را نیز آنها دیکته میکنند .

این یکی دیگر از نمودهای سیاست صدور سرمایه است . از اوایل قرن بیستم که کشورهای امپریالیستی ، آغاز بر صدور کالا بطوروروزافزونی دست به صدور سرمایه نیز زدند ، بانکها نقش تعیین کننده ای در این عمل نیز دارند و برای کشورهای امپریالیستی و ناپذیرکننده برای کشورهای وارد کننده سرمایه داشته اند . بسیاری از به اصلاح کتک های کشورهای امپریالیستی به کشور های عقب نگه داشته شده از طریق این بانکها سرازیر میشود و نیز وامهایی که این بانکها و شرکت های مالی به دولت های این کشورها میدهند ، فاجعه آمیز است .

خلاصه کنیم که ایجاد بانکهای مختلف با سرمایه گذاری در بانکهای کشورهای عقب نگه داشته شده ، یکی از شیوه های مهم وابسته کردن هرچه بیشتر کشورهای تحت ستیم ، به امپریالیستها است . این قضیه وقتی آشکارتر میشود که توجه کنیم این سرمایه گذاریها عمدتا شامل چه بخشهایی میشود . مثلا در مورد ایران در بانکهای مثل بانک عمران صنعتی و معدنی ایران و بانک عمران و سرمایه گذاری ایران و بسیاری بانکهای دیگر ، آتوقنت چه دست . تازه امپریالیستها مثلا از طریق کنترل بانک عمران و سرمایه گذاری ایران ، تعداد بسیاری از زیادی بانک و شرکت دیگر را کنترل میکنند . در مورد سایر بانکها که در ظاهر سرمایه خارجی در آن فعالیت ندارد ، وضع بهتر از این نیست ، زیرا با وابستگیهای مستقیم و غیر مستقیم آنها مداران این بانکها به امپریالیسم ، اوضاع چندان نفاذی نمیکند . آری با توجه به این مسائل بود که ملی کردن بانکها اینقدر مورد تاکید قرار میگرفت و هنوز نیز مورد تاکید است ، اما پاسخ دولت چه بود ؟

● دولت : مانع اصلی ملی شدن

نگاهی به مجامعها نشان میدهد که مقامات مسئول

دولت گاهی گروهها و افرادی را که این خواست را عنوان مینمودند ، منتهم میکردند که " لوبای چرخ دولت سی - گذارند " و بدینسان آن حلات مستقیم و غیرمستقیم - زمانی نیز عنوان میکردند ، که " تعیین تکلیف مالکیت " تا مجلس موسسان قانون اساسی است و این دولت چون موقت است ، بنا براین در این باره تصمیمی نگرفته و نخواهد گرفت . به موازات این سخن پراکنشها ،

بورژوازی ، به تواتر هرچه بیشتر قدرت را قیقه کند حال بیبینیم چه راه حلی اتخاذ میشود . این پشتک و وارو را در قانون ملی شدن بانکها میبینیم . ماده ۱ این قانون میگوید : برای حفظ حقوق و سرمایه ملی و بکار انداختن چرخهای تولیدی کشور و تضمین سپرده ها و پس اندازهای مردم در بانکها ، ضمن قبول اصل مالکیت مشروع مشروط و ... (تا کبدا زمانه است)

بازهم در باره ملی کردن بانکها

● فشارتوده ها ، نیروهای انقلابی ، آیت الله خمینی و شورای انقلاب

● بانکها در خطر ورشکستگی

● دولت زست انقلابی میگردد

● خائنن کمیته مرکزی حزب توده : بازهم در پیوزگی

سیل کمک از جانب بانک مرکزی بسوی بانکها سرازیر میشد تا بلکه این موسساتی که سالها دراز به چپاول مردم مشغول بوده اند و یکی از کالاهای مهم نفوذ امپریالیسم هستند چند صباحی بیشتر به آریامان خارجی و وابستگان داخلی آنها خدمت کنند . در واقع وقتی که آقای مولوی یعنی کسی که سالها به اصلاح نماینده ایران در بازار مشترک اما در حقیقت کارگزار امپریالیسم بوده ، به ریاست بانک مرکزی منصوب میشود ، انتظار دیگری هم نمیتوان داشت ، زیرا این امر خود چهرو بخشی از هیئت دولت را نیز نشان میدهد . حال این سؤا ل پیش میاید که چه عواملی سبب شده که دولت تغییر سیاست دهد و دست به ملی کردن بانکها بزند ؟ آبادولت به یکباره انقلابی شده است؟ یا گمانها با پاسخ منطقی است و علت تغییر سیاست دولتی را باید در جای دیگر جستجو نمود .

● فشار توده های ورهبری برای ملی کردن

این تغییر سیاست را باید اولاد در فشارهای وارده از طرف طبقات و اقشار مختلف دید . فشاری را که از طرف اقشار مختلف خرده بورژوازی وارد میشود ، میتوان در اعمال شورای انقلاب و با سخن رانیهای آیت الله خمینی دید . شاهد دیگر این فشار تاسیس بانک اسلامی و با گسترش صندوقهای قرض الحسنه است . در این رابطه وقتی سخنان دکتر بهبهانی را در اولین جلسه هیئت موسس بانک اسلامی بخاطر بهار ورم که از سستی دولت در امور بانکها علنا انتقاد میکند و با این گفته او که : بین از تاسیس بانک اسلامی از مراجع تقلید خواهد خواست که مردم را به انتقال وجه خود به بانک اسلامی و همکاری وسیع با آن دعوت کنند ، آتوقنت اهمیت این فشار درک خواهد شد . از طرف دیگر فشاری که قشر فقیر خرده بورژوازی که در ابدکال تر از دیگر اقشار است و مثلا از طریق سازمان نجاهدین خلق بیان میشود ، به فشار بالا افزوده شود ، اهمیت این مسئله روشن تر میشود . از طرف دیگر درخواست ملی کردن بانکها که از طرف طبقه کارگر و دهقانان و نیز نیروهای وابسته به آنها بیان میشود ، باید مورد توجه قرار گیرد . اما گرچه این خواست از طرف کارگران و دهقانان به شکلهای گوناگون ، اما با قاطعیت و فشاری بیشتر دنبال می - گردد . لیکن بدلیل مجموعه شرایط موجود فشار وارده از طرف خرده بورژوازی فعلا عملکرد بیشتری دارد .

● بانکها در خطر . . .

● و بالاخره زست انقلابی دولت

ولی این کسه روی دیگری نیز دارد و آن بخلطبر افتادن منافع سرترا و بانکهاست . خبری که از یکسو در ارتباط با پتانسیل انقلابی جامعه و فشارهای یاد شده است و از طرف دیگر با توجه به رکود اقتصادی کشور که سودآوری بانکها را کاهش میدهد (گرچه به مفر نمی - رساند) و همچنین در رابطه با اوضاع بی ثبات ایران که احتمال تمامی غطرات برای بانکهای وابسته ، هنوز از بین نرفته است .

پس با بدرا ه حلی اندیشیده میشد که از یکسو منافع آریامان امپریالیست و وابستگان را غلیش حفظ شود و از جانب دیگر دولت با حفظ قیافه انقلابی ، دعسوی قدرت با

آری شما این چشم بندبها بخا رهمینا است : قبول اصل مالکیت ، و اینجا است که فزبان قلب بورژوازی تند میشود . گوی می بانکها نبوده اند که با غارت شسرت این کشور صاحب سرمایه و مالکیتی شده اند که بورژوا - زی برایش سینه چاک میدهد . با مراجعه کوتاهی به تراژنامه منتشره از سوی بانکها (بگذریم از اینکه حتی در انتشار تراژنامه هم قدر تقلب شده است) به سادگی معلوم میشود که این سرمایه و مالکیت در واقع از آن خلق است . سرمایه ای که با غارت مردم این کشور هر روز زیادتر شده است و اینک دولت انقلابی قبل از هر چیز بطور غرضی تاکید میکند که اولاً این مالکیت مشروع است و ثانیاً آنرا قبول دارد . بسیاری اینکه محکم کاری هم کرده باشد و ماهیت این مالکیت را پنهان کند ، انرا اسلامی جلوه داده و سعی در تطهیر آن میکند ، انهم وقتی که آیت الله خمینی درصیبتشاهی که برای هیئت موسس بانک اسلامی در قم میکند ، سرمایه حمله از ربا را ناشروع مینامد . اینرا میگویند یک بام و دو هوا . و اینجا است که دولت از طرح مسائل بدیشین طفره میبرد . البته این طفره رفتن دنباله میگذرد . زیرا در اعلامیه دولت از همه چیز محبت میشود مگر نحوه ملی کردن و خیلی آگاهانه از کنار مسئله میگذرد . زیرا همین جا است که پوچی تمام ادعا ها در مورد ریشه کن کردن امپریالیسم و وابستگانش برملا میشود . چون با توجه به ماهیت دولت از این اکنون میتوان پیش بینی کرد که چگونه ملی کردنی در مخیله آنهاست ، آنها قبل از همه چیز ، با پنهان شدن در پشت سر سپاهداران کوچک ، سعی در تطهیر سپاهداران بزرگ و شرکای آنها دارند . بنا براین ملی کردن در نظریات ان عبارت خواهد بود از : پرداخت غرامت و با باز خرید سهام بانکها ؛ یعنی در واقع دست خویش به غارتگران بابت سالها چپاول ؛ برای توضیح بیشتر به این خبر نگاه کنید :

" ... از سوی دیگر در محافل قضای (بخوان زبان غیر رسمی دولت) گفته شد در اجرائی بر نامه ملی شدن بانکهای عمومی ، چون تعدادی از بانکها ، بخشی از سپاهان در اختیار سرمایه گذاران خارجی قرار دارد ، پیش بینی میشود در مورد این قبیل بانکها سهام سپاهداران خارجی از سوی دولت خریداری شود . . . و با به همین صورت فعلی و بطور مختلط اداره شود " (آیتندگان ، شنبه ۱۹ خرداد ۵۸ صفحه ۱۲)

فکر میکنیم همین خبر خود بسیار قسمت عمده ای از قضیه است . اما نمایشی که بدون هیجان لطفی ندارد ، پس به این خبر نگاه کنید : " یک مقام اقتصادی که نخواست نامش چاب شود گفت : از طرح ملی شدن بانکها فالگیر شدم و شعب میکنم چرا دولت بدون مقدمه دست به چنین کاری زد . این مقام اشاره کرد که بیوتو نخست وزیر پاکستان بانکها را ملی اعلام کرد ولی بعد پشیمان شد و چون نتوانست بانکها را اداره کند ، تصمیم گرفت مجددا به ما حیان اولیهاش برگرداند ، اما با جواب منفی روبرو شد " (آیتندگان ، همان شماره ، صفحه)

اینجا است که هیجان نمایش زیاد میشود و بیسم و امید که کنند دولت انقلابی ما ! شکست بخورد و با ایجاد این شبهه که ممکن است ملی کردن بانکها اصولا درست نباشد . اما این بیم و امید و شبهه فقط کاشنی را که این خیمه شب بازی را باور میکنند و با فکر میکنند و با فکر میکنند که با این شیوه ملی کردن بانکداران از هستی ماقط میشوند ، تحت تاثیر قرار خواهد داد .

● نتایج این نوع ملی کردن

حالا بیبینیم نتیجه این نوع ملی کردن چیست . از یکطرف نجات بانکهای خصوصی که " وضع نامساعد

آقای ربانی! واقعیت اینهاست، نه آنچه شما گفتید

چند ماه از غارت روستا ثانیان ارومیه گذشت و با لاف و دروغ ۳ اردیبهشت ۵۸، شما بنام «آقای ربانی» روستای ما مور رسیدگی با موراستان آذربایجان غریب گردید. و وقتیکه به ارومیه رسید، دهقانان نژاد و فرزند دلدان را با مطرح نمودند. عده ای از اربابان غارتگران جمله حاجی می، قلی، یک، خورشیدی یک نیز در آنجا حضور داشتند. اربابان به آیت الله میگفتند که روستا ثانیان همه ساواکی و عمال رژیمند. عناصر کمونیست در روستا ثانیان هستند و روستا ثانیان از این حرف مات و مبهوت و انگشت به دهان مانده بودند. یکی از روستا ثانیان بنام نایب سوادگر که اربابی بنام حاجی می اموالش را سفارت برده، زمینش را شخم زده و کاشته و تفکیش را هم گرفته بود و علاوه بر اینها تمام دارایی و پول بزرش را غصب کرده و او را تحت تکفل هم قرار داده بود و مدت ۲۸ روز او را در زندان انداخته (ارباب خوش زندان دارند) و دست آخر با دستگاهی که اسباب آخته میکنند، او را آخته کرده بود و خانه اش را ویران نموده، خوب بست خانه اش را و جلوش را بخاری سوزانده بود، به آیت الله در دشت رفت و گفت در حالیکه ارباب یعنی حاجی می نیز حضور داشت. اما چه جوابی به او داده شد و حاجی می چه گفت؟ [بعد از پایان جلسه ارباب همراه انگور تازی منگوش سواران تومیل آخرین سیمت به کاخ رفت، در حالیکه روستا ثانیان انتظار داشتند که همانجا اربابان کتبیسته تسلیم عدالت شوند و این کار هم در قدرت نماینده امام و کمیته امام ارومیه بود.

دو این جلسه اربابان مخالفت خود را با اربابان گناه زاندار می اعلام کردند و آقای ربانی نیز چیزی نگفت! و بالاخره آقای ربانی به روستا ثانیان گفت که این مسائل چندان مهم نیست، در ضمن کمیته شما را تحریک کرده اند (تکرار حرف فتوایها)... در حاجی دیگر آقای ربانی اظهار نظر کرد: «در ایران ما ارباب و شرما به دارند ریم...» (استقل از جبهه «مبارزات دهقانی در ارومیه»)

پوششهای ملی و مذهبی قدرت را در دستهای خود قبضه کرده اند خواه ناخواه روزی شکل گرفته و کارشان را می نمایند و آنوقت مردم میدانند که با چنین جبهه ای چگونه باید برخورد کنند همانگونه که در روستاهای سردشت دیدیم.

پیشتر به سوی تشکیل اتحادیه های دهقانی ناپود یاد اتحادیه های عشایری اعلام سرکوبی دهقانان پیروز یاد مبارزات برخی دهقانان در راه احقاق حقوق ملی و طبقاتی

میوه قیام خوشین خلق را چیدند و دولت حاضر و آماده ای را با هزار شیرک و فریب متصرف خود، متصرفند.

مشروطه طلبان دیروز و جمهوری خواهان امروز

اکنون این دولت، دولت مشروطه طلبان دیروز و «جمهوری خواهان» امروز است که به فرمان رهبری سر مسند قدرت نشسته است. و علیرغم جمله با فیه ای انقلابی و میزگوشی انقلاب در پی آنت است ماشین دولتی گذشته را حتی الانگان با اطلاعات کمتری ترمیم و باز سازی نماید و جیره خواران عناصر مزدور بنام گذشته را بکار گیرد و در مقامهای دولتی بگمارد.

حکومت موقت از همان آغاز تولد، با تلاش فراوان کوشید تا از اقدام و ابتکار انقلابی توده های متصرف قدرت از باطن توسط آنان، که بیگانه غامض حفظ و توسعه دست آورده های انقلاب است، معاضمت کند و در طی این مدت بهر وسیله ای در این راه دست زده است.

او از بکار بردن ارتش در سرکوب توده های خلق هیچ ابائی ندارد (نمونه های بارز، سند و ترکمن محروم و نرده و...) از پاسخ گوئی به اساسی ترین و میزترین مسائل انقلاب، مسئله ارضی، مسئله ملی و خلفا، مسئله ملی کردن (واقعی نه از نوع اخیر) مؤسسات مالی و تولیدی، احیای اقتصاد ملی و اسداهم ارتش مزدور آمریکایی و ایجاد ارتش مسلح خلق و تأمین دمکراسی توده ای و... عاجز و ناتوان است و به نمایندگی از طبقات دارا در هر گام از پیشرفت و تداوم انقلاب قد بر می افرازد و در برابر خواست نشینمای برای به خلق رسانیدن آن تلاش بسیار روزیسه بود، جامه عملی بپوشاند و با چنین توصیفی بورژوازی لیبرال، که در حاشیه قیام حریمانه در انتظار بود تا

ادامه از صفحه اول گزارش می آید...
خانواده و چند نفر دیگر که هیچکدام از این بلا ممنون نشاندند بودند، کسی دیگری در ده نبود. اعضای خانواده حسن ممد که نفرند همگی به نحوی آسیب دیده با مرخص شده بودند. از منازل روستا چند تاشی سالم مانده بود که آنها هم بصورت متروکه درآمده بودند. تمام درختهای اطراف خانه ها شکسته و سوخته شده بود. منبع درآمد اهالی این روستا قسمت بسیار ناچیزی از راه کشاورزی و قسمتی دا مبروری است. برخی به کار قاچاق هم میپردازند. در حوالی این روستا پارکهای سبزه های انقلابی که علیه رژیم عراق مبارزه میکنند وجود دارد. یکی از مبارزان پیشمرگ که در آنجا با او به گفتگو نشستیم و خود ناظر جریان بمباران بوده اظهار می داشت که چهار جن «ساخو» هفت بمب رها کردند که چهار تاشی آن را روی ده انداختند. خمپاره های برتاب شده از انداره های کوچک و بزرگ بوده اند ضمناً در برخی نقاط با شمشیر و راکت نیز تیراندازی کرده بودند که صدمه هاشی وارد کرده بود. زخمی شدن بسک روستایی که مشغول شخم زدن در روستای توکان بود و یکی دیگر در کاشی زرد از این طریق بوده است.

بطور کلی تعداد بمبهای رها شده در نقاط مختلف و صدمات وارده طبق جدول زیر بوده است:

اسم محل	تعداد بمبهای رها شده	تلفات و خسارات
مناوان	۱ بمب	۱ کشته شده
سالاره	۱ نفر زخمی	
گوره شیر	۴ بمب در ده، ۱ بمب در منطقه	۵ کشته و ۳ زخمی، ۲ گاوه است
کاشی زرد	۵ بمب	دهکده ویران
دره قاسمش	۱ بمب	۱ زخمی مرگ
توزل	۱ بمب	
خلیقه	۲ بمب	۱ نفر زخمی

ادامه از صفحه ۳ دهقانان با اتحاد...
اتحاد نامقدسی که نتیجه سهل انگاریهای عدلی و دولت موقت بود با همکاری نیروهای ارتجاعی فرصت طلب فرصتی یافتند که بساط ظلم و ستم را از زمین چینه انداختن اعمال شد انسانی دست زدن که منجر شد به هها مورد جنگ تحلیلی آزرگی، ناامنی های شدید و...
و اینک میبینیم که بزگانه ها و میوانهای پرفریب احزاب و گروههایی که با ماهیت نهائیا ارتجاعی و ضد مردمی خود سعی در ترفیب افکار عمومی داشته اند و در بیشتر موارد تحت

ادامه از صفحه آخر نتایج قیام...
خرده بورژوازی راست (مرفه سنتی) و بورژوازی کمبراد دور در ماشین دولتی بوجود آوردند.

از این رو این تحول سیاسی، تا آنجا که مربوط به قدرت دولتی و دست به دست شدن ماشین دولتی می گردد، نه بر پایه تاسودی کامل نظام سیاسی کهن و استقرار قدرت دولتی انقلابی و نظم نوین برخواه های نظم کهن، بلکه با تغییر در قدرت دولتی در چهار جوی سیستم وابستگی عملی گردید.

بیشکشی خرده بورژوازی به بورژوازی لیبرال

خرده بورژوازی از همان زمان که مسئله تصرف قدرت سیاسی، و قرار گرفتن در اس آن به امر انقلاب بدل گشت، بیوسته به حرکت بورژوازی لیبرال فراغز بورژوازی، محافظه کاری و تزلزل طبقاتی اش برانگیخته میشد و اگرچه در جریان قیام ارگانهای انقلابی خاص خود (کمیته ها) را به وجود آورد ولی وقتیکه در موضع قدرت سیاسی قرار گرفت، عملاً ناتوانی، ناپی گیری طبقاتی و بی برنامه گی سیاسی خود را بطور آشکار و روشنی به نمایش گذاشت و زمانیکه در کاش این صف و ناتوانی، فاقد یک تکلیف گاه سیاسی - تشکیلاتی برولتا ریائی در صحنه سیاسی بود. بناچار به بورژوازی و سیاست و خط می و برنامه او روی آورد و راه را برای دشمنی او به قدرت دولتی هموار کرد و به عبارت دیگر ارتجاعی دولتی را، حاضر و آماده و پیش از آنکه خود متصرف شود، بطور عمده در اختیار بورژوازی لیبرال قرار داد و بدین ترتیب درست به آن چیزی که امپریالیسم نیز پس از شام شکست و عقب نشینمای برای به خلق رسانیدن آن تلاش بسیار روزیسه بود، جامه عملی بپوشاند و با چنین توصیفی بورژوازی لیبرال، که در حاشیه قیام حریمانه در انتظار بود تا

زمان باری (نقل از سخنان نخست وزیر) پیدا کرده اند، آتم چگونه؟ به فرخ مردم ستکسیده، یعنی از پول دولت، از سوی دیگر دادن این امکان به امیریا - لیست ها و وابستگان شان که با باقیمانده پولهای خود را که هنوز از ایران خارج کرده اند، خارج کنند و با آنرا به بخشهای سود آوری منتقل کنند. اما هنوز یک جانب قیسه مانده است. آتم تسلیفات با بوق و کرنا برای دولت و هواداران اش که هم اکنون نیز آغا ز شده است و جازدن این دولت، به عنوان انقلابی و در همین رابطه حمله به گروههای مترقی که از دولت به خاطر محافظه کاری و سازش انشقاد مینکنند و در عین حال مات مالی کردن مسئله مجلس مؤسسان و قانون اساسی. اما نکته جالب تر پیدا شدن فرصتی است هم برای رویزینوشتهای خاص کمیته مرکزی حزب توده و هم برای دیگران تا با تاشید این اقدام انقلابی، برده ای بر دیروزی خوبی میکنند و گامی فراتر در تحمیب توده ها بردارند. همین جا بگوئیم که تاشید این اقدام توسط برخی گروههای مترقی از سرشقی جدا گانه است، زیرا که به احتمال بسیار، آنها به ملی کردنی از نوع دیگر نی اندیشند.

ما چه می گوئیم؟

اما ما چه می گوئیم؟ ما میبوسیم، مگر نشه اینست که سرمایه های این بانگها حامل غارت کشور ما است؟ مگر نه اینست که این بانگها کنون دهها برابر سرمایه اولیه خود سود برده اند که آنها را با به خارج منتقل کرده و با در جاهای دیگر سرمایه گذاری کرده اند؟ و مگر افزایش سرمایه اینان از سودهای نیست که شیده و از کشورهای وابسته ای مثل ما سرمایه خواب هم نمی بینند؟ تازه از سوی دیگر کسانی که مسئله مالکیت مشروع و مشروع را پیش میکنند، مگر فراموش کرده اند که رویش قارچ مانند این بانگها و ونیز استحکام و افزایش سرمایه آنها در دوران رژیم پیشین بوده است؟ رژیم که در سرپرده گی آن به امپریالیسم هیچگونه شک و شبهه ای نیست، پس این چگونه مالکیت مشروعی است که باید حفظ شود؟ پس دیگر غرامت برای چه؟ باز خرید سهام کدامست؟

ما به ملی کردن تمام سرمایه و دارایی بانگها بدون پرداخت غرامت بهر شکلی، معتقد بوده و بر آن یافشاری میکنیم. البته همین جا تذکر دهیم که میان ملی شدن دارایی کوچک و بزرگ تفاوت قابل هشتمی، که نیست که باید سهام این افراد باز خرید شود تا از ملی شدن بانگها، زبانی نشینند و باز هم شکی نیست که سیره های اشخاص باید محفوظ بماند. اما این محفوظ ماندن هم نباید شامل امپریالیستها و وابستگان نشان باشد. اگر غیر از این باشد، مثل اینست که دوبار این مردم را غارت کرده باشند، بار اول از طریق عملیات خود بانگها و بار دوم بطور غیر مستقیم از طریق پرداخت غرامت و با باز خرید سهام بانگها توسط دولت.

حال میبینیم پس از این چنین ملی کردنی که مورد نظر ماست، چگونه باید کار را دنبال کرد. سواد مورد نظر ما عبارتند از:

الف - اقدام کلیه بانگها و تشکیل یک بانک دولتی سرتاسری.

ب - اخراج کلیه کارشناسان و مدیران خارجی بانگها.

پ - سپردن مدیریت این بانک دولتی به شورای منتخب کارکنان بانگها.

ت - بکمان نمودن حقوق کارکنان بانگها، بر اساس افزایش حقوق کارکنان کم درآمد.

ث - بخشودگی وام های زحمتکشان (اعم از کارگران، دهقانان، کسه خرده پا و امثالهم)

ج - هدایت سرمایه گذاری این بانک در جهت ایجاد صنایع مادر و تأسیسات زیر بنایی کشاورزی.

آری تنها با این اقدامات است که میتوان ملی کردن بانگها را عملی انقلابی ارضایی نمود. پیشوانه چنین اقدامی توده های میلیونی زحمتکشان جامعه خواهند بود که هر مخالف خوانی و هر سدی را در مقابل ابتکار در هم خواهند شکست و تنها آنوقت است که می توان گفت یکی از کارنا لهای نفوذ امپریالیسم را ویران کرده ایم. لزوم ملی شدن بانگها، بار دیگر تأکید می است بر مانتظر گروههای مترقی درباره لزوم ملی شدن صنایع وابسته، گرچه مسیر کلی دولت خلاص هردی اینها را نشان میدهد.

اخبار کارگری

دستگیری سه تن از مبارزین شوکت نفت محکوم است

امروز کارگران مین و ماشا بندگان و حامیان آنها در وضع بغرنجی بسر میبرند. آنها که دیروز با اعتصابات سرتاسری خود در کارخانه‌ها شرکت کرده و پست رژیم شاه را خراب کرده و در آرزوی سرانجام بهرمانه دیگر افشارخلفی، طومار رژیم شاهنشاهی را در هم پیچیده و ضربت‌ها را با تکیه بر با مهربانی و اراد آوردند. آنها که با اعتصاب سرتاسری خود در صنایع نفت، بقی "ستون فقرات جنبش" نام گرفتند امروز در دنیا زوزه خودگه جبری خورده‌اند همان مبارزین علیه ظلم و استثمار زینت، با فشارهای متعددی روسرو هستند: مبارزه آنها تخطئه نشود و انگ‌ها در انقلاب می‌خورند. چوب تکمیر بر علیه آنها بلند می‌شود و پیگرد آزار در انتظار آنهاست.

دستگیری سه تن از مبارزین صنعت نفت، محمود جوانی، شایسته و نامرغی، اذاعه منطقی سیاست ضدکارگری و ضدتکراتیک دولت بورژوازی و همدستان وی میباشد. ما ضمن محکوم کردن این دستگیری، حمایت خود را از خواسته‌های ضمنی آنها و همکاران این سه مبارز دستگیر شده اعلام می‌داریم.

هرچه بیشتر دوست‌رازان دشمن شناخته و هرچه بیشتر بازمورد استناد و هویتگی بی برده‌اند، آنها در این فتنه خودا خواست آنها یعنی رسی شدن و قطع بهیمنانکاران خواست میلمونها کارگر در سراسر ایران و در شرکتها و کارخانه‌های مختلف است. این واقعیتی است که مدنی نیز بدان اعتراف میکند. او در مذاکره با کارگران چنین گفت: "اگر میخواهیم استخدام کنیم، مساله به ۲/۵ میلیون کارگر سرتاسری ایران بر می‌گردد و در هر ماه ۳۰۰۰ و اینها بر مبنای قدرت است گفته‌اند."

ما گزارش کار مل و مئروخی وزارت اوزر ایران ترمینال و مسازرات کارگران آن در دست داریم که سنی خواهیم کرد در شماره‌های بعدی "پیکار" می‌آوریم.

پروطنین تریاد فریاد کارگران "ایران ترمینال" خرمشهر

کارگران شرکت "ایران ترمینال" امتحانیه اکتله و بندر خرمشهر و انتقال "بارها" با نیاها و محوطه، خارج از اسکله را با انجام می‌رسانند. این عمل در شرایطی صورت می‌گیرد که کارگران از ابتدای ترمین و سایر ایمنی و بهداشتی محروم بوده و اغلب آنها در معرض مسمومیت های مسموم شیمیایی و مریض مل قرار دارند. روزانه ۱۲ ساعت کار اجباری با حقوقی معادل ۱۷۰۰-۱۸۰۰ تومان در ماه که حتی کفایت مخارج اولیه زندگیشان را نیز نمیکند، تن در میدهند. این کارگران بی‌ممانتی بوده و هیچگونه تمثیلی برای آینده خود ندارند.

کارگران تحت این شرایط سخت و طاقت فرسا، کاری را انجام میدهند که سود هنگفتی را به جیب سرمایه داران زالسو صفت و وابسته با مهربانی لیم، بیمانکاران و مدیران ملیهای دست‌نشاندهای از قبیل "تقیب" "میرباغ مل" "ایران ترمینال" که از خدمتگزاران رژیم بوده و از چپا و حقوق کارگران به یوهدهنگتی رسیده‌اند، می‌روند. اشخاصی که امروزه "نقلاتی" شده و از طرف دولت در دستهای خود می‌مانده‌اند.

بهیمن جهت بود که کارگران "ایران ترمینال" پس از مبارزات پیرومند خود در سال گذشته برای "حق شیفست شایسته" و "پاداش و عیدی" وقتی بلزوم وحدت و مبارزه بی برده و "سندیکای" واقعی خود را بهیمن هیئت موسس و رهبری کارگران مبارز و مورد اعتماد تشکیل دادند، به درستی شمار "رسی شدن" و "قطع بهیمنانکاران زالسو مفت" را با قاطعیت تمام در سرلوجه مبارزات خود قرار دادند. این مبارزه در شرایطی آغاز گشت که سندیکا با اعتبار پشتوانه خود از فروردین ۵۸ شرکت را وا داده قبول.

رسمیت سندیکا ساخته بود. کارگران پس از طی مراحل عادی مبارزه خود مذاکره با مقامات مسئول از مدیرعامل شرکت، رئیس اداره بنا در، نخست وزیر، وزیر کار و... وقتی این مذاکرات و نتایج آنها نیکارها بیجا بود و آب درآمدوما هیئت این دستگها برایشان روشن گشت. از تاریخ ۵۸/۲/۲۷ دست با اعتصاب زدند و راه چاره را مثل همیشه و همه‌جای دنیا در اعتصاب و انکار به قدرت خود دیدند. کارگران بملت اینک بطور کامل و با تمام وجود به حقا ضیت‌خواسته‌های خود ایمن داشتند. علیرغم توطئه‌ها، دسیسه‌ها و کارشکنی‌های مؤثر مل شرکت و عناصر شناخته شده، حدود یکماه دلبیرانه، با اعتصاب خود ادامه دادند. در تمام این مدت سیاست تغییرناپذیر دولت در مقابل خواست کارگران سکوت بود، وسی کرده است با متوسل شدن به این توطئه در مقابل خواست حق کارگران ایمنادگی کند. چیرا که رسمی شدن و استخدام کارگران از ابتدای ترمین حقوق کارگران بوده و بقدری طبیعی میباشد که مقامات مسئول بهیمن جهت نمیتوانند میرباغ آزار دهند. از طرفی ما هیئت بیمانکاران و سرمایه داران شرکت بر همه کس روشن است و ایمن جزواستگی و دلالتی برای امیربا لیمت و کذب‌سودهای کلان کار دیگری انجام نمیدهند. ولی "دولت موقت" بجای اینکه طرف کارگران را بگیرد دست کارگران را در کنترل اموز با گذاشته و با انکار "بکارگران، دست این زالسو مفتان را از حیات مملکت کوتاه کند، آری بجای همه اینها دست اعتماد بسوی همان زالسو مفتان سابق دراز میکند، آنها را در مقابل خود باقی و ضامت میکند که جان و مال آنها از هرگونه آسیبی در امان باشد. و چنین است که کارگران پس از یکماه مقاومت دلبیرانه، بدلیل شرایط بحرانی خرمشهر، دست از اعتصاب کشیده و بدون دریافت با شخصی مشخص بسرکار خود بر می‌گردند.

اما کارگران اینبار دست‌خالی بسرکار بر نمی‌گردند. آنها در طول این مدت کوله‌باری از تجربه بدست آورده‌اند.

کارگران اکام: صنایع را ملی کنید.

کارگران شرکت اکام از تاریخ ۵۸/۳/۱۹ ضمن کرد و اعلام کرده‌اند که "ما کارکنان گروه صنایع ساختمانی اکام به منظور بول ضمن نکرده، بلکه ضمن مابه منظور روشن شدن وضع صنایع اکام است."

آنها از دولت میخواهند که "همچنانکه بانکها را ملی اعلام کرد، صنایع را نیز ملی کند" (ما به پیغام امروز) کارگران ضمن عنوان میکنند که "دولت حتمنا باید تکلیف" لاجوردی را که مالبا خون کارگران را می‌کشد و مفتان را خورده، روشن کند و به وضع سرمایه از رسیدگی نماید.

آنها همچنین می‌گویند که "لاجوردی" که از سرمایه داران وابسته به آمریکا و از طرفداران سرخت رژیم شاه بود، او که همیشه مانع از مبارزات کارگران شده و کارگران را با شهید به اخراج، بوادار به نظارات به نفع شاه می‌نمود، الان بطور شده چهره عویز کرده و انقلابی شده است. او با تقسیم کارخانه به بخشهای مختلف همچون اکام پتسون و اکام فلز و... و اولاً ملیت کستری به دولت می‌پردازد.

ناشیا: کارگران را از همه جدا کرده و از نیروی کارگران می‌کاهد.

ناشنا: به بهانه‌های مختلف از جمله اینکه "اکام فلز" به "اکام پتسون" مقروض است از پرداخت سود و بزمه کارگران مانع کرده و بول آتزا به جیب خود می‌زند. کارگران می‌گفتند که لاجوردی به اندازه‌ای شرورت دارد که نتواند دوباره کارخانه را راه بیندازد. ولی در شرایط حاضر که کارخانه سودی نمی‌دهد فرصت طلبانه می‌خواهد آتزا به "دولت" واگذار کند. اگر اواراست میگوید چرا کارخانه‌های سوده خود را به دولت می‌دهد.

ما در زیر متن نامه کارگران به "دولت موقت" فطنما می‌آید که در این مورد ما در کرده اند بطور کامل نقل می‌کنیم.

بازر آنها برای بهتر رساندن آن هدفی کوتاه کردن دست تجار و زمین و سرمایه داران وابسته به امیربا لیم از زندگی و حیات کارگران بوده‌است. اما خاسافه بر خلاف ادعای هیئت دولت یعنی بر حیات کارگران و زمینکنان و کوتاه کردن دست تجار و زمین، ما شاهد دست‌انداختن به حقوق کارگران و امان همان صنایع است. ضد کارگری سرمایه داران و کارشنکی های آنها در اداره اموز کارخانه هستیم. برای اگاهی هیئت دولت از اینگونه موارد مذکور در خصوص ما کارکنان شرکت تاسیسات ساختمانی اکام وابسته به گروه صنعتی بهیمنر با اطلاع میرسانیم.

۱- تعطیل عمدی کارخانه توسط کارفرما به منظور تحت فشار قرار دادن دولت و سوء استفاده از بی‌کاری کارگران و گرفتن وام به بهانه ورشکستگی.

۲- شیواری کارکنان شرکت طی سه ماه مراجعات مکرر و پیگیری برای احقاق حقوق حقه خود سود ویژه سال ۵۷ و حقوق معومه به مراجع قانونی و نمایندگان کارفرما به نتیجه‌ای نرسیده و کارفرما با وقاحت تمام از پرداخت حقوق ما سر باز زده‌است ضمن تاکید از طرف ما کارکنان به لزوم شرکت در سازندگی کشور و تلاش همه جانبه برای رفع این مشکل خاسافه به علت عدم درک صحیح کارفرما از موقعیت به توافق نرسیده‌ایم از این رو ناچار از اعتراضات زیر به نشانه اعتراض از تاریخ شنبه ۵۸/۳/۱۹ در مجله‌های... دست به تحسین می‌زنیم.

تظلمات

- ۱- استقلال تاسیسات اکام و خارج شدن آن از بیخ شرکت ویژه و کوتاه کردن دست وابسته‌های شرکت زمینه از اکام.
- ۲- اگردر کلیه قراردادها هیئت شرکت زمینه از طرف اکامها با کارفرمایان دیگر منعقد نموده، به خود اکامها.
- ۳- اجرای بدون قید و شرط صورت جلسه مورخه ۵۸/۱/۲۲ که در وزارت کار تنظیم شده.
- ۴- تهیه مواد اولیه جهت شروع به کار.
- ۵- راه‌اندازی هرچه زودتر کار شرکت‌های اکام فلز و اکام پتسون و ایجاد کار.
- ۶- پرداخت حقوق ارد بهیمنست ماه ۵۸.
- ۷- پرداخت سود ویژه سال ۵۷.
- ۸- پرداخت بدهی کارفرما به شرکت‌های تعاونی مصرف و اعتبار.
- ۹- پرداخت هفت درصد (۷٪) حق بیمه سهم کارکنان به سازمان تامین اجتماعی.
- ۱۰- تضمین حقوق ماههای آینده کارکنان.

شرکت ساختمانی اکام
(کارکنان شرکت اکام فلز و اکام پتسون)

جاده رنجبران وحدت و تشکیلات است

۱- دفتر سیاسی "طرفداران طبقه کارگر" مسجد سلیمان، گزارشاتی از مبارزات کارگران بیکار شرکت سلیمان، بیک شرکت فراوسوی که روی سد مسجد سلیمان، کار می‌کنند منتشر ساخته و حکایت از این کرده که کارگران این شرکت طریقم مبارزات چندین ماهه خود و مراجعه به کلیه "مراجع" و شخصیهای قانونی و حقوقی به نتیجه‌ای نرسیده‌اند.

۲- همچنین کارگران شرکت "سدلار" در روز ۵۸/۳/۲ برای رسیدن به حقوق عادلانه خود در جلو وزارت کار جمع شدند و آنطور که معلوم است آنها نیز به حقوق خود نرسیده‌اند. (این شرکت به تازگی ۵۰۰ - ۴۰۰ کارگر را اخراج کرده و کارگران حدود ۴ ماه است مزدی دریافت نگردانند.)

۳- کارگران بیکار شرکت آرسه - تا پس از اینکه مبارزات چند ماهه خود برای حقوق از دست رفته شان سودی نگشتند، در تاریخ ۵۸/۳/۱۷ در محصل دفتر مرکزی شرکت واقع در خیابان وصال شیرازی تحصن اختیار کردند. آنها در ضمن نامه‌ای به کانون وکلای دادگستری نوشته و خواستار رسیدگی به امور خود شده‌اند و تا حالا نیز از کار خود سودی نگشتند.

اینها نمونه‌هایی هستند از آنچه امروزه دیده می‌شود بیکاری بلائی است که گریبانگیر کلیه زمینکنان و بالاخص کارگران است. هزینه بالای زندگی، اجاره خانه و خانوادده‌های پر جمعیت که خاص طبقه کارگر است از یکطرف و بی‌پولی از طرف دیگر، آنها را به اعتراض و تحصن می‌کنند. اما مسئله‌ای که اینجا مطرح می‌باشد اینست که کارگران از حرکت منفرد و نامشکل خود نمی‌توانند سودی برده و به هدف خود برسند و نمونه‌های بالا نیز درستی این مطلب را ثابت می‌کنند. تجربه کارگران بیکار شهر آبادان در این مورد از ارزش فوق‌العاده‌ای برخوردار است و کارگران بیکار کلیه شهرها باید که از آن درس لازم را فرا بگیرند.

کارگران بیکار آبادان برای مبارزه علیه بیکاری و احقاق حقوق خود، دور هم جمع شده و سندیکای کارگران بیکار را ساخته‌اند. تا متحدان و یکپارچه مبارزه کرده و همگی با هم به حقوق خود برسند. اتحاد و یکپارچگی آن چیزی است که کارگران بدان نیاز دارند و از کارگران نیروی می‌سازد که کارفرمایان و دولت سرمایه داری قدرت مقابل در برابر

بیمت سال از قیام کارگران کوره پزخانه های تهران می گذرد . بیست سال از روزهاش که خون اسبن زجر دیدگان بر زمین ریخت میگذرد ... اما مبارزه برای رسیدن به حداقل زندگی ، برای بهبود شرایط کار برای رسیدن به حداقل خواسته های خود همچنان ادامه دارد . در این مدت مبارزات بسیاری از جانب کارگران کوره پزخانه ها صورت گرفته و کارگران تجارب فراوانی اندوخته اند . جنگ با سرمایه داران ، برای کسب حقوق عادلانه ، شرکت در مبارزه بر علیه رژیم شاه خائسن ، چیزهای بسیاری آنها یاد داده است . و آنها را در شناخت سیستم سرمایه داری عمیق تر ساخته است . کارگران کوره پزخانه ها به دلیل مجموعه شرایط حاکم بر آنها جزو آن بخش از کارگران هستند که هنوز حتی برخی درخواستهایشان نظیر : ۸ ساعت کار و ... در چهارچوب قانون کار ضد کارگری قبلی است . اما انقلاب ، آگاهی بخش است ، انقلاب توده های غلب مانده زحمتکشان را نیز بیدار میکند و به آنها درسهای زیادی می آموزد . همین لحاظ امروز ما شاهدیم که کارگران کوره پزخانه در ضمن تلاش برای رسیدن به خواسته های پیش پا افتاده ، راه خود را برای اداره کردن کوره ها از طریق شوراهای کارگری " ابراز میکنند . در زیر به نمونه گویاش از مبارزات کارگران کوره پزخانه ها اشاره میکنیم :

مبارزات کارگران کوره پزخانه های آمل در اردیبهشت و خرداد ماه

پس از مدت ها اعتراض و اعتصابات پراکنده و بی نتیجه کارگران ۱۱ کوره پزخانه آمل تصمیم به یک اعتصاب سرتاسری می گیرند . در جریان این مبارزه آنها چه بصورت جداگانه و چه بصورت یکپارچه خواسته های برحق خود را اعلام کرده اند که بطور محوری عبارتست از :

- ۱- اجرای برخی مفاد همان قانون کار کدائی قبلی (نظیر : ساعت کار و سرویس و ...) .
- ۲- تهیه وسایل ایمن با توجه به محیط بسیار کثیف و گرد و غبار آلود کوره ها .

آن را ندارند . از طرف دیگر وقتی کارگران ، سند یک تشکیل می دهند ، می توانند خواسته های خود را بطرز عادلانه ای که حقوق تمام کارگران را در نظر بگیرد تنظیم کنند . بعنوان مثال بعضی از کارگران ، از روی ناآگاهی در مراجعه به شرکتهای خود تقاضای وام می کنند . در صورتیکه این حق کارگران است که در دوران بیکاری ، حق بیکاری دریافت کنند ، چرا که آنها در دوران کار در کارخانه و شرکت چندین برابر پولی را که بعنوان دستمزد دریافت کرده اند ، به جیب سرمایه دار ریخته اند و حالا کارفرما باید ، که پول دوران بیکاری را بلا عوض و بعنوان حق بیکاری به کارگران مسترد دارد . آری ، دوستان کارگر ! چاره پاهان دادن به بیکاری و گرفتن حق خود این نیست که جدا از هم بپراکنده دست به مبارزه بزنیم . در این حالت کسی به حرف ما گوش نخواهد کرد و علاوه بر این نیرومان کم بوده و سرمایه دار در مقابل ما مقاومت خواهد نمود . علاج کار در این است که مشکل شده و دست بدست هم بدهیم . در نظر بگیریم اگر کارگران بیکار تهران دور هم جمع شوند و سند بیکاری کارگران بیکار را بسازند ، چه نیروی عظیمی خواهند شد . چاره نخببران وحدت و تشکیلات است . " این حرف بدستی چاره کارگران و کلیه رنجبران است . بکوشیم تا متحد شویم و در صفوف واحد و یکپارچه برای گرفتن حقوق خود مبارزه کنیم .

هموطنان مبارز!
کمکهای مالی خود را به حساب جاری شماره ۵۸۷ بانک صادرات ایران - تهران شعبه ۱۳۲۹ خیابان کارگر (امیر) - آباد جنوبی سابق اواریز نمایید .

۵- جلوگیری از اخراج کارگران و بازگشت کارگران اخراجی به سرکار .
در ضمن کارگران برخی از کوره ها لغو نظام وحشیانه کثرت استیضاح و نظارت در فریض و تولید را خواستار گردیده اند .
نمایندگان کارگران علیرغم بندگی های فراوان و اندورفت به تهران ، نمی توانند به همه خواسته های خود برسند . و خواسته هایی را نیز که در مورد آنها با وزارت کار و کارفرمایان به توافق رسیده بودند ، عملاً بر روی کاغذ می ماند . وزارت کار (تهران) طبق معمول اعتصاب کارگران را " ضد انقلاب " می نامد ، و تنها با پرداخت ۴۰۰

بنام خستگی با مردم مبارز و آگاه آمل

مردم مبارز آمل :
خبر مربوط به اعتصاب و تحصن ما کارگران کوره پزخانه ها را هکانه شنیدماید . همچنین خبر دارید که بدلیل کمبود آجر در بازار کارهای ساختمانی هم کساد شده است و نیز فروش مصالح ساختمانی از قبیل کچ ، سیمان ، آهک ... رونق زیادی ندارد . اما در این بین عوامل کارفرمایان و عناصر مزدور کوش میکنند که پساً شایعه پراکنی و دروغگوئی انگار مردم مبارز آمل را بر علیه ما آشفته کنند . این عناصر توطئه گر میخواهند مردم بگویند که اینها (یعنی کارگران) افرادی ضد انقلاب و تحریک شده و ... هستند . میخواهند بگویند که علت بیکاری و کساد بازار مصالح ساختمانی ، اعتصاب کارگران کوره پزخانه هایما باشد . تا از این طریق ما کارگران را تحت فشار بگذارند و نگذارند که حقوق طبیعی و قانونی خود را بدست آوریم .

مردم آگاه آمل :
۱- ما کارگران کوره پزخانه ها برادران شما کارگران و مردم زحمتکش هستیم و مثل شما از سیدیه صبح تا شبانی شب جان می کنیم . جایی که ما کار می کنیم از گرمای آفتاب و از آتش سوزان کوره ها از جهنم هم بدتر است . محیط کار ما که از گرد و غبار و دود ... پر شده نفس کشیدن را هم برای ما دشواری می کند . در زیر کارهای طاقت فرسا کودکی و جوانی و نیرو و انرژی خود را از دست داده و به استخوانهای بی رمقی تبدیل شده ایم . دستهای ما پینه بسته است . خلاصه اینکه نه آب داریم ، نه بهداشت داریم ، نه لباس کار داریم ، نه سرویس داریم ، نه غذا خوردنی و نه حمامی . از همه اینها گذشته مزدی هم که بابت جان کنده خود می گیریم ، بهر جهت کفاف خرج زن و بچه ها و زندگی ما نمی شود . در عوض کارفرمایان (سرمایه داران) از حاصل کار ما ثروتی بجیب می زنند و به پشت خانه خرابی ما خانه ها درست می کنند و به بهای بیچارگی ما بهترین زندگی و رفاه و راحتی را برای خود و بچه هاشان دارند .

دستمزد موافقت می کند ولی کارگران جز در سه کارخانه از گرفتن این اضافه دستمزد خودداری کرده و مبارزه را تا گرفتن جمیع درخواست های خود ادامه می دهند و در عین حال آنها با استلالی که از سخن زندگی سرچشمه می گیرد ثابت می کنند که چه کسی تولید را می خواهند ...
در زیر کارهای طاقت فرسا به استخوانهای بی رمقی تبدیل شده ایم .
در جریان اعتصاب کارگران برای روشن کردن ذهن مردم آمل اعلامیه ای صادر می کنند ، که قسمت هایی از آن را در اینجا می آوریم :

حرف ما کارگران این است که باید حق ما داده شود چیز زیادی هم نمی خواهیم . توقع زیادی هم نداریم . آنچه که ما می خواهیم خواسته های صغری است که حتی قانون کار محمد رضاشاهی هم آنها را تأیید کرده بود و حق کارگران می دانست .
۲- ما کارگران ابتدا بصورت مسالمت آمیز خواسته ها- بیان را به کارفرمایان گفتیم ولی آنها به بهانه های مختلف از زیرش در رفتند . برای همین وقتی دیدیم که کارفرمایان نه تنها کار نمی کنند بلکه سعی می کنند که مشترکاً با کارگران توطئه بچینند ، تصمیم گرفتیم که قدرت و اتحاد خود را نشان بدهیم و با اعتصاب و تحصن در اداره کار بحق صغری خود برسیم .
۳- برادران زحمتکش ، بدانید که خواسته های ما از طرف رئیس اداره کار و مقام فرمانداری آمل تأیید شده و آنها قانونی و حق مسلم کارگران تشخیص داده اند اما بازم کارفرمایان حاضر به قبول آن نیستند .
۴- ما امیدواریم که با شرح مختصری که دادیم همشهریهایی را کارگر و زحمتکش ما دریافته باشند که ما نه ضد انقلابیم و نه چیز دیگری ، ما کارگرانی هستیم که انقلاب کردیم و ما کارگرانی هستیم که همه وسائل زندگی از کوچک تا بزرگ آن را می سازیم .
همشهریان غیور
اگر چه ما کارگران مهلت تعیین نموده و گفتیم چنانچه تا آن مدت بخواسته های ما جواب ندهند خود تولید و فروش آجر را بدست میگیریم و این وضع موقتی هم بزودی بر طرف می شود ولی از شما نیز انتظار حمایت و همکاری داریم . حداقل از شما توقع داریم تا از خواسته های ما حمایت کنید و بیچ شایعه پراکنیها و دروغگوئیها ضد کارگر را بساز کنید و آنها را افشا کنید .
با امید پیروزی
نمایندگان منتخب کارگران کوره پزخانه های آمل
۱۳۵۸ / ۲ / ۱۶

کارگران پس از این اعتصاب نیز هنوز (حدود نیمه خرداد) سرگردان بوده و نتوانستند به حقوق عادلانه شان برسند ، در این رابطه کارگران اعلامیه ای منتشر کرده و تصمیم خود را بدست گرفتن تولید توسط شوراهای کارگری اعلام می دارند . متن اعلامیه بدین شرح است :

کارگران کوره پزخانه ها تولید را در دست میگیرند

انجاس بطرز سرسام آوری بالا بمرودی مزد مان را ، تا جانمان را بلب : رسانند حتی یکشاهای بالانمیرند ، تازه جالب اینجاست که به بهانه در زمین اضافه دستمزد کارگران کوره پزخانه ها ، بیکاره قیمت آجر هزاری ۸۰۰ تا ۱۰۰ تومان بالا بردند ، ما به این آقایان دیگر اجاره نمیدهم که با اضافه کردن قیمت آجر دستمزد برادران کارگر و همشهریانمان را بالا بکشند . ما کارگران کوره پزخانه های آمل که مدت زیادی است توسط سبط کارفرما هاسرگردان شد ما هم و از همین طریقی موقتی به گرفتن حقوق سلم خود شد ما هم ، اعلام میداریم جهت درهم شکستن توطئه های کارفرمایان و رسیدن به خواسته هایمان و همچنین کاهش بهای آجر به قیمت عادلانه ، از روز شنبه ۱۹ خرداد تولید را مستقیماً توسط شوراهای کارگری در دست خواهیم گرفت و روشن شدن اوضاع چه تولید ادامه داد ، خود اهان حمایت بهد ریغ شما مردم غیور آگاه آمل هستیم . در ضمن از همشهریان شریف و خرد آران زحمتکش آجر تقاضا داریم برای خرید آجر دگر بگردد دفترهای فروش آجر دگر زهره کارفرمایان رجوع نکنند بلکه مستقیماً آجر را در سرسره کارگری خریداری نمایند .

برای آنکه حقوق پایمال شده خود را پس بگیریم
برای آنکه از زورگوشی کارفرماها جلوگیری کنیم
برای آنکه از خرید آجر از آن جحشکنان ارجحیت کنیم
پس بسوی بدست گرفتن تولید در کوره پزخانه های آمل (نمایندگان منتخب کارگران کوره پزخانه های آمل)

ادامه از صفحه اول نتایج قیام...

جنبش توده ای با مضمون و اعطای انقلاب...
فرزاینده اش و با ترکیب اشکال مختلف مبارزه و نهایش
عالمترین شکل خود ، قیام شکوهندن سلطانه توده ای در
سپهر ماه ، بیاط رژیم مزدور سلطنتی را بهم ریخت .
دستگاهی که با ماشین عظیم سرکوب و خفان خود بستار
مقاومت از آن منموند که طی این پیرویه مبارزاتی
نسبتا کوتاه طومارش درهم پیچیده شود .

این قیام به مثابه تجلی اراده استوار و اعمال
فهراتقلابی توده های خلق در برابر هرگونه مقاومت
مخالفات جنون آما و قهر و استیلا و انقلاب رژیم مزدور
شاه معادلات و توطئه های صایگرانه امپریالیسم را در
انتقال ممالمت آمیز قدرت سیاسی برهم زد ، انتقالی
که امپریالیسم در آن تمام امیدها و آرزوهای خود را
بر پایه واسطه گری و دلال منشی بورژوازی لیبرال و
توهمات لیبرالی خرید بورژوازی بنا نهاده بود ، انتقالی
که طی آن امپریالیسم میکوشید تا از موضع قدرت و بنا
ایستار مستقیم خود و حفظ تمامی نهادهای امپریسا -
لیستی سهم قابل توجهی از قدرت را به بورژوازی لیبرال
و تا حدی به بخشهای بالائی خرده بورژوازی نفوذ پیش
نماید و آنها را در قدرت ترکیب نماید بطوریکه
حتی الاکان در جریان این انتقال کمترین زیان را
متحمل گردد ، انتقالی که بختیار از سوی امپریالیسم
بازرگان و سحرهای ... به عنوان " نمایندگان "
رهبری جنبش نقش آفرین صحنه های آن بودند و رسالت
فرجام رساندن آنرا بر عهده گرفته بودند . (۱)

اما شرایط قیام بنا بر پیرویه گمبایش ، آنچنان
که سخن رفت ، موقعیتی را فراهم آورد تا بورژوازی
لیبرال بخصوص آن بخشی که با آراستن خود به لباس
مذهبچهره فریبنده تر و قابل اعتمادتری بخودگرفته
بود ، بتواند با تکیه بر تزلزل ، تردید و سراز
طبقاتی خرده بورژوازی و با بهره گیری از توهمات
لیبرالی و مذهبی آن ، در خلاف حضور قیام و قدرت
سیاسی متشکل پروولناریا و نمایندگان سیاسی آن و در
شرایط فقدان شکل و سازمان یافتگی توده ها ، فرصت
بیشتری برای خریدن به دست قدرت سیاسی و اعمال
سیاستهای ضد انقلابی خویش بیابد .
در چنین اوضاع و احوالی انتقال قدرت صورت می
گیرد ، نیروهای سیاسی جدید جایگزین نیروهای سیاسی
قدیم میگرددند ، انتقال و جایگزینی نوسنی که بنا
آنچه که مورد نمایم امپریالیسم بر اساس فرمول ساز
مورد نظر او بود تفاوت داشت .

جنبه طبقاتی تحول سیاسی

قدرت سیاسی بورژوازی کمپرادور با قیام مسلحانه
توده ها و سرکوبی رژیم فیرت سلطنتی فروریخت ، اما
علا نایود نشد . قیام بهمین ماه توانست آن بخشهای
از هیئت حاکمه و قدرت سیاسی حاکم را از سربر قدرت
بزیر کشد که نماینده هارترین و فاشیست ترین جناح
های امپریالیستی و وابستان داخلی آنها بود .
امپریالیسم که قبل از قیام با تمام قوا
میکوشید ، حتی الاکان ، وحشی به بهای قربانی کردن
نخستین شاه (۲) کماکان اساس سلطنت و باند مزدور
بوروکرات حفظ نمود و سلطه اقتصادی - سیاسی
خویش را از طریق اختلاف سیاسی این باند به همراه
دیگر جناحهای بورژوازی کمپرادور که در هیئت حاکمه
نقش مطلوب داشتند با بورژوازی لیبرال همچنان

بسیج نماید ، به دلیل اوج روز افزون مبارزات تو
ها ، ناچار از پذیرش این امر شد که دیگر قادرخواهد
بود بازی را همچنان با بهره اش ادامه دهد ، و لذا
شاه از عرصه شطرنج مبارزه به کنار نهاده شد .
امپریالیسم بر آن بود تا این انتقال اجتناب
ناپذیر قدرت را حتی الاکان با کمترین تضامات و
ضررها و از موضع قدرت ، با تکیه بر آفرین و قویترین
ابزار سرکوبگرش - ارتش - تا زمین نماید (۳) اما
توده های انقلابی منطبق دیگری داشتند و این منطبق را
سراجام در قیام قهرمانانه بهمین ماه خود ، بطور
آشکار بیان کردند .

نتایج قیام بهمین ماه و جنبه طبقاتی تحول سیاسی حاضر

خواست انقلابی توده ها ، اگرچه بیان ظاهری خود
را در نابودی سلطنت و در شعار "مرگ بر شاه" یافته
بود ، اما " سلطنت" از دیده توده های ستمدیده
ایران ، در حقیقت بیان حاکمیت آن مناسبات ستمگرانه
و استعلاگرانه ای بود که سالها محور و استعمار
امپریالیسم را در تمام پهنه های سیاسی - اقتصادی -
اجتماعی آن در ایران حلق پیچیده بود .
توده ها در این شعار "مرگ بر شاه" و "نابودی
سلطنت" نابودی نظام غارتگرانه سرمایه داری وابسته
را جستجو میکردند . و این همان پیامی بود که قیام
بهمین ماه در خود نهفته داشت ، این پیام را هم
امپریالیسم و هم لیبرالیتهای مابا کینه و وحشت احسان
کردند . از همین رو در نظر آنها درگ بیش از این
جایز نبود ، میبایست هرچه زودتر از گسترش آتش قیامی
که ابستکار عمل را از دست امپریالیسم و لیبرالیتهای در
حال آکوره و در جستجوی سازش ما گرفته بود ، جلو
گیری - عمل آورد ، و انقلاب را در حد قربانی شدن
سلطنت و باند مزدور شاه متوقف ساخت .

امپریالیسم و وابستان داخلی آنها با تمام
قوا میکوشیدند که این امر را در جهت نابودی یا خنثی
سریعتر قیام تحقق بخشند ، لیبرالها و همجنسین
خرده بورژوازی نیز که از بزور "نگاهاتی" قیام
میپوید و سرمایه گشته بود ، هر یک به نوعی از این
موضعی به مانع از گسترش دامنه قیام برآمدند .
و سراجام نیز تلاشها به شمر رسید و پیروزیها از
سرحد برچیده شدن نظام سلطنت و بساط باند مزدور شاه
فرا تر نرفت .
پیروزیهای انقلاب با تلاش توطئه چپانها امپریا -
لیزم و خیانت بورژوازی لیبرال و ناتوانی ، محافظه -
کاری و توهمات خرده بورژوازی در نیمه راه متوقف
ماند و قیام پیش از آنکه بتواند تمام سنگرهای رژیم
سرمایه داری وابسته را در همه جهات فتح کند ، سه
کوشش آنان به خاموشی گراشد .

بدینترتیب قیام توانست فقط به حاکمیت سیاسی
بباند مزدور شاه یعنی جناح غالب و قدرتمند هیئت
حاکمه پایان دهد . اما بخش مغلوب و ضعیفتر آن یعنی
نمایندگان سیاسی بورژوازی کمپرادور غیر بوروکرات
برغم دریافت ضربات کاری و جانگاہ ، از آماج حملات
نابود کننده قیام ، بظور ماند و توانست در تطابق با
شرایط موجود در قدرت سیاسی جدید نیز مشارکت ورزد .

چرا دامنه قیام توسعه نیافت؟

چه عواملی مانع توسعه دامنه قیام به تمامی
عرصه حیات قدرت سلطنتی حاکم و نابودی ماشین دولتی
شدند و امکان شرکت بورژوازی کمپرادور را در قدرت
سیاسی فراهم آوردند؟ پاسخ را میتوان بطور خلاصه چنین
بیان داشت :

۱- سازش بورژوازی لیبرال سوار شده بر گرد ه
جنبش با نمایندگان بورژوازی کمپرادور و به وسیله
ارتش (یعنی عمده ترین ابزار سرکوب دولتی) ،
دست یافتن بورژوازی لیبرال به قدرت سیاسی و اعمال
سیاستها و تمایلات ترمز گیری و ضد انقلابی درممانعت
از پیشبرد افز انقلاب و جلوگیری از پیشروی قهر
انقلابی توده ها برای نابودی کل سیستم وابسته ، کوشش
در جهت برخی اعطالات و تعدیلات در ماشین دولتی گذشته
از طریق تصفیه و باز نشسته کردن بخشی از فرماندهان
بندام ارتش ، برای پاسخ موقتیه را دیکالیسم انقلابی
جنبش و ایجاد زمینه مساعد برای گزینش عناصر مزدور
وابسته به امپریالیسم (اما کمتر شناخته شده و به
اصطلاح لیبرال) و با ابقای این عناصر در بخش نظامی
و مواقع سازمانی مهم ماشین سرکوب و نیز دستگاه اداری
ماشین دولتی (وزارت اقتصاد و دارائی ، بانک مرکزی
و ...)

۲- مخالفت جوشی و سازش طبقاتی خرده بورژوازی
قدرت رسید ، استعناطات و سیاستهای اتوبیستی و غیر
طبقاتی وی که بورژوازی لیبرال از قبل از قیام بطور
شمام و کمال از آن بهره می گرفت .
۳- فقدان ستاد رژیمده پروولناریا ، و ضعف و
ناتوانی سازمانهای انقلابی .
۴- ضعف آگاهی توده ها ، و عدم شکل سازمان یافتگی
آنها

تحذیرات فوق توده ها نتوانستند علیرغم مبارزات
بسکیر و گسترده انقلابی و قیام شکوهندن مسلحانه
بهمین ، بقدرت سیاسی دست نیابند و با حتی سهمی از آن
سیرند . بورژوازی لیبرال در اختلاف سیاسی با خرده -
بورژوازی سنتی و بدینحال کشاندن آن و در سازش با
بورژوازی کمپرادور غیر بوروکرات که در شرایط قیام
کامیای بزرگی به عقب برداشته ، قدرت دولتی را
قیض نمود ...

وضعیت جناح ضعیف بورژوازی وابسته

در حال حاضر نمایندگان سیاسی بورژوازی
کمپرادور (فوق الذکر) در مقایسه با بورژوازی
لیبرال و خرده بورژوازی از محور سیاسی (بالفعل)
کمتری در قدرت دولتی برخوردار است ، اما به لحاظ
حفظ قدرت اقتصادی اش و نیز تلاشها و سیاستهای
بورژوازی لیبرال در حفظ و بازسازی ماشین دولتی کهن
(ارتش ، پلیس ، ژاندارمری ، دستگاه اداری ...) به
راه سازش و دنباله وری خرده بورژوازی (به وسیله
خرده بورژوازی مرفه) و سیاستهای اتوبیستی و
ارتجاعی آن در شرایط کنونی زمینه بسیار مساعدی برای
این رشد ایجاد می نماید .

تصرف ساده ، نه درهم شکستن!

نیروهای سیاسی جدید ، از راه درهم شکستن ماشین
دولتی گذشته ، به قدرت نرسیدند ، بلکه از راه تصرف
ساده آن حاکمیت سیاسی خود را برقرار کردند . و صف
جدیدی از قدرت سیاسی را با ترکیب بورژوازی لیبرال ،
ادامه در صفحه ۵

خبرنگاران در پاسخ به سؤالی در همین مورد گفت :
" امیدوارم این مسائل و اختلافات و سوء تفاهات
را بین شاه و ملت حل کنم ... " (۱۶ دیماه ، کیهان) ،
پس از گذشت مدتی و گسترش روز افزون مبارزات توده ها
به مطالبات این خیال خام پی برد و قربانی شدن شاه را
بمشابه یک واقعبیت پذیرفت :
" من به بازگشت فوری شاه معتقد نیستم . شاه
قانون اساسی را نقض کرده است . " (اول سپهر روزنامه
آیندگان) و این تغییر موضع بختیار چیزی جز تغییر
موضع امپریالیسم آمریکا نسبت به شاه نبود .

(۲) - درست در اوج قیام یعنی ۲۱ سپهر ماه ،
بختیار که تا قبل از آن همچنان بر حفظ سلطنت امرا و
میوزید (به نمایندگی از سوی امپریالیسم) ایمن
موضع را در محاصره ای چنین اعلام کرد : " قانون اساسی
اجاره هر نوع تقصیری را داده است . منجمله اعلام
جمهوری (۱) ولی مردم باید بطور مادی بوسیله مجلس

(۱) - ... دیشب گزارش شد که به منظور مذاکره تاریخی
میان آیت الله خمینی و بختیار ، یک کانال ارتباطی
جدید برقرار شده است . میمکر این اقدام سیاستمدار
مذهبی انقلاب ایران مهدی بازرگان است که قبلا نیز
توافقاتی برای انجام مذاکره میان آیت الله و بختیار
ترتیب داده بود . آن توافق بظاهر مداخله یکسری از
زندیگان امام خمینی معین مانده است . آیت الله
خمینی در سخنان دیروز خود قویا از حصول یک راه
مسالمت آمیز برای بحران ایران ، طرفداری کرده است .
همچنین بختیار به خبرنگاران خبرگزاری فرانسه
گفت تمام سببش با طرفداران آیت الله برقرار شده و راه
مذاکره احتمالی کماکان باز است . " روزنامه کیهان ،
۱۵ سپهر ماه ۵۷ ، به نقل از آموشتند پرس .

(۲) - بختیار به مثابه بیان کننده مواضع
امپریالیسم آمریکا ، اگر در چند روز پس از روی کار
آیدتن نوزبه بقاء شاه اطمینان داشت و در محاصره با